

قصه‌ی آن مرد حکیم

مرد ژولیده‌موی پریشان‌خاطری... عرض شود که این مرد به این خاطر ژولیده‌موی بود که واقعا موی داشت... بلی، مردی ژولیده‌موی پریشان‌خاطری هر روز با گریبان چاک‌چاک در دهکده راه می‌افتاد و مجموعه‌ی بی‌ربطی از کلمات را فریاد می‌زد. می‌گفت کفش، گاو، زخم، بی‌تربیت، کج، خشک، خدایا مرز، مورچه... از این گونه ده‌ها...



قسمت بیست و دوم | صفحه ۴

سرزمین‌های درهم‌شکسته:

جهان عرب چگونه فروپاشید؟

۳۲. وقاص حسن (عراق)
در ماه دسامبر ۲۰۱۵، وقاص حسن به ظن تروریست بودن در یک ایستگاه کوچک پولیس سابق در نزدیکی یک روستا در حدود ۱۰ مایلی کرکوک در بازداشت بود. وقاص که اکنون ۲۱ سال داشت...



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



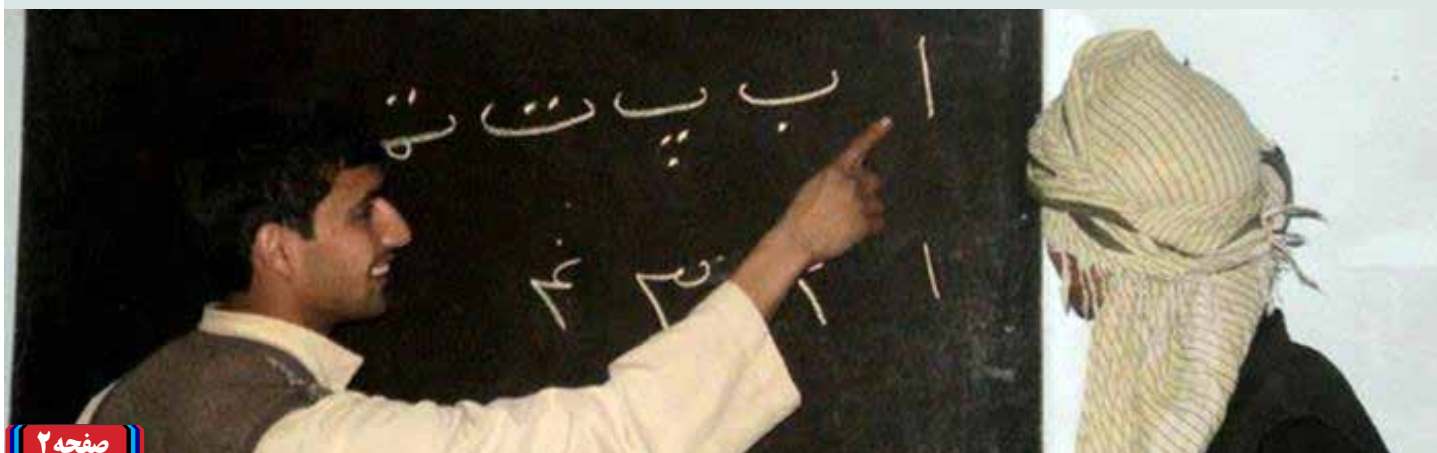
کشور بی‌سوادها

افغانستان در رده‌ی جهانی سواد، در قعر جدول قرار دارد. اگر از انتهای این جدول بخوانیم، افغانستان در لیست بی‌سوادی‌ترین کشورها، در رده‌ی سوم قرار دارد. این در حالی است که حتا در منطقه و در مقایسه با کشورهای جنگ‌زده یا نسبتاً توسعه‌نیافته نیز نرخ عمومی سواد قابل مقایسه نیست. برای مثال، بر اساس برخی آمار، بیش از ۵۸ درصد است. بنگلهدیش یکی از فقیرترین کشورهای جنوب آسیا ۵۷ درصد جمعیت باسواد دارد. اما بر اساس آنچه که معینیت سوادآموزی وزارت معارف نیز تأیید کرده، ۶۰ درصد جمعیت کشور بی‌سوادی؛ یعنی فاقد توانایی خواندن و نوشتن و حداقلی‌ترین استانداردهای سواد. از ۶۰ درصد جمعیت بی‌سواد کشور، ۴۸ درصد آن‌ها زنانند و ۱۲ درصد مرد. این رقم، به این معناست که از کل جمعیت زن کشور، ۸۰ درصد آن‌ها بی‌سوادی.

به این ترتیب، افغانستان در کنار کشورهای فقیر و جنگ‌زده‌ی مانند «مالی» و حتا عقب‌تر از «ساحل عاج» قرار می‌گیرد. کشورهای که عملاً دچار فقر و منازعات...

رویارویی با ۱۱ میلیون بی‌سواد

طرح ملی مبارزه با بی‌سوادی اجرایی شود



صفحه ۲

سریعترین اینترنت 3G - بهترین قیمت

10GB

در بدل 1100 افغانی

برای اشتراک: 10GB را به 151 ارسال نمایید



دوشنبه	
۱ قوس	
۱۳۹۵	
سال پنجم	
شماره ۱۱۹۰	
اطلاعات روز	
	

یادداشت روز

کشور بی سوادها

افغانستان در رده‌ی جهانی سواد، در قعر جدول قرار دارد. اگر از انتهای این جدول بخوانیم، افغانستان در لیست بی‌سوادترین کشورها، در رده‌ی سوم قرار دارد. این در حالی است که حتا در منطقه و در مقایسه با کشورهای جنگ‌زده یا نسبتاً توسعه‌نیافته نیز نرخ عمومی سواد قابل مقایسه نیست. برای مثال، بر اساس برخی آمار، بیش از ۵۸ درصد است. بنگله‌دیش یکی از فقیرترین کشورهای جنوب آسیا ۵۷درصد جمعیت باسواد دارد. اما بر اساس آنچه که معینیت سوادآموزی وزارت معارف نیز تأیید کرده، ۶۰درصد جمعیت کشور بی‌سواداند؛ یعنی فاقد توانایی خواندن و نوشتن و حداقلی‌ترین استانداردهای سواد. از ۶۰درصد جمعیت بی‌سواد کشور، ۴۸درصد آن‌ها زنانند و ۱۲ درصد مرد. این رقم، به این معناست که از کل جمعیت زن کشور، ۸۰درصد آن‌ها بی‌سواداند.

به این ترتیب، افغانستان در کنار کشورهای فقیر و جنگ‌زده‌بی مانند «مالی» و حتا عقب‌تر از «ساحل عاج» قرار می‌گیرد. کشورهای که عملاً دچار فقر و منازعات بی‌پایان بوده‌اند. یکی از شگفتی‌های قابل توجه این است که افغانستان در ارزیابی‌های بین‌المللی در مورد فقر، مهاجرت و بدبختی و بی‌سواد، اکثراً در جایگاه سوم قرار می‌گیرد. به گونه‌یی که این مسأله دست‌مایه‌ی شوخی میان شهروندان شده است.

افغانستان دست‌کم از دهه‌ی شصت خورشیدی تا کنون درگیر جنگ‌های خونینی بوده است. پیش از آن نیز طرح باسوادسازی دولت ظاهرشاه با مقاومت محلی رویه‌رو شد که اقبال چندانی نیافت. به همین خاطر و به یمن کمک‌های نهادهای خبریه، در یک سال اول پس از سقوط طالبان، تنها ۳۴۰۰ مکتب فعال بود و یک میلیون نفر دانش‌آموز. پس از آن، گرچه بیشترین بودجه و میلیاردها دالر از طریق کمک‌های بلاعوض، صرف تقویت نیروهای نظامی و انکشاف روستاها شد، سومین موردی که برای رشد آن بیشترین بودجه در یک‌ونیم دهه‌ی اخیر مصرف شده، رشد معارف و امحای بی‌سوادی است. تنها در میانه‌ی دو سال، کمتر از یک میلیارد دالر از سوی ایالات متحده به معارف افغانستان اختصاص داده شده بود. حاصل آن، چندان چشمگیر نیست. کمتر از ۱۰ میلیون نفر به مکتب می‌روند. این در حالی است که بسیاری از مکاتب در جنوب، جنوب غرب و شرق کشور بسته‌اند.

از مجموع بودجه‌ی وزارت معارف، آن‌چنان‌که معین سواد آموزی این وزارت گفته، بین ۱،۵ تا ۱درصد آن به این بخش تعلق دارد. بخشی که تلاش می‌کند، فراتر از برنامه‌ی رسمی معارف و فراهم آوردن زمینه‌ی تعلیم نوجوانان، برای بزرگسالان که غالباً از مکتب رفتن بازمانده و بی‌سوادند، زمینه‌ی آموختن را فراهم سازند. به همین دلیل، تنها ۱۵هزار مرکز سوادآموزی در کشور فعال است که سالانه حداکثر ۳۰۰هزار نفر از آن فارغ می‌شوند.

از این منظر، بی‌سوادی عمومی ناشی از دو مسأله است: یکی، رشد ضعیف معارف و مشکلاتی که پیش روی نوجوانان و کودکان برای تعلیم و تربیت قرار داده شده؛ نظیر جنگ و تهدید طالبان. دو، ناکامی برنامه‌ی سوادآموزی که معطوف به ارتقای سطح سواد عمومی در افغانستان به اجرا گذاشته شد. در هر دو مورد، عوامل زیادی دخیل‌اند. اگر مسأله‌ی نامی را در نظر گیریم که حل آن به وزارت معارف ربطی ندارد، حرف اصلی بر سر فساد و کم‌کاری و ناتوانی وزارت معارف است. در چند مورد، فساد بزرگی در وزارت معارف به اجرا گذاشته شد که تبعات آن برای رشد معارف و به همان قیاس، سواد آموزی، سنگین بود. یک‌بار، مواد آموزشی‌یی که در زمان حنیف اتمر در این وزارت تدارک دیده شد که در آن کتاب‌های بی‌کیفیت و فاقد اعتبار تهیه و توزیع شد. بار دوم در زمان فاروق وردک که صدها مکاتب خیالی و هزاران دانش‌آموز و معلم خیالی به‌وجود آمد. فساد فراگیر سبب شده است که: ۱– پروژه‌های آموزشی، ارتقای ظرفیت و مانند آن، پوششی برای غارت بودجه‌ی این وزارت قرار گیرد. ۲– افراد کم‌سواد، فاقد توانایی و اعتبار عملی در رأس پروژه‌های مهمی مانند تدوین نصاب تعلیمی قرار بگیرند. ۳– نظارت جدی و دقیقی از کیفیت کار مکاتب، کورس‌های سوادآموزی و برنامه‌های ارتقای ظرفیت معلمان وجود نداشته باشد و ۴– در نتیجه، معلمان کم‌سواد با کمترین معاش ممکن مسئول گسترش و پخش دانش و باسوادسازی عمومی شوند. طبیعی است که معاش اندک، تمایل به فساد را گسترش می‌دهد و فساد از پایین به بالا نیز به‌میان می‌آید یا به‌عبارت دیگر، فساد در قاعده‌ی این هرم، بازتولید می‌شود.

حالا قرار شده که طرح بسیج ملی برای محو بی‌سوادی به اجرا گذاشته شود. این طرح هنوز عمومی نشده و داوری در مورد آن و نتیجه‌ی مطلوب آن، ناممکن است؛ اما واقعیت این است که در فقدان نگاه واقع‌بینانه و آسیب‌شناسی صادقانه این وضعیت، نمی‌توان انتظار داشت که ما از قعر جدول «سواد» بیرون بیاییم و بتوانیم دست‌کم با برخی کشورهای منطقه رقابت کنیم. تا زمانی که نهادها فاقد اشخاص حرفه‌یی و کار در غیبت قانون و الزامات آن قرار داشته باشد، قطعاً کتاب‌های سوادآموزی و متون آموزشی، فاقد دانش و آگاهی خواهند بود، به همان ترتیب که برنامه‌های سوادآموزی ناتوان از امحای بی‌سوادی بوده است و در نهایت، افغانستان اردوگاه بی‌سوادها باقی خواهد ماند.

اطلاعات روز: نماینده‌ی سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی سازمان ملل متحد (یونسکو) در افغانستان ضمن انتقاد از بی‌توجهی در زمینه‌ی سوادآموزی در کشور می‌گوید که هم‌اکنون ۱۱ میلیون فرد در افغانستان سواد خواندن و نوشتن ندارند.

پاتریشا مک فیلیپس، نماینده‌ی یونسکو در افغانستان دیروز (یک‌شنبه، ۳۰ عقرب) در همایشی در کابل با ارائه‌ی گزارشی از وضعیت آموزش و پرورش در کشور از دولت به‌دلیل کم‌توجهی در زمینه‌ی سوادآموزی به‌ویژه در مناطق دورافتاده انتقاد کرد و گفت که سوادآموزی در ۱۵ سال گذشته، در اولویت‌های دولت افغانستان نبوده است. خانم فیلیپس گفت هم‌اکنون حدود ۱۱ میلیون تن از افرادی که بالاتر از ۱۵ سال عمر دارند بی‌سواد می‌باشند که مهارت خواندن و نوشتن را ندارند و بیشتر آنان را زنان تشکیل می‌دهند.

او ضمن ابراز نگرانی از وضعیت آموزش و پرورش در افغانستان، بی‌سوادی را مشکلی بزرگ در این کشور خواند و افزود در حال حاضر، برآورد می‌شود که ۴۰ درصد از مردان و ۶۳ درصد از زنان در روستاها بی‌سواداند.

اسدالله حنیف بلخی، وزیر معارف نیز در این همایش

رویارویی با ۱۱ میلیون بی‌سواد

طرح ملی مبارزه‌بابی سوادی اجرایی شود

دانش، معاون دوم رییس‌جمهور تصویب شده است و به‌زودی در جلسه‌ی کابینه تصویب و به‌عنوان دستورالعمل به اجرا درخواهد آمد.

به گفته‌ی آقای رحیمی، این برنامه از سال آینده عملاً روی دست گرفته خواهد شد و براساس آن مسایل مرتبط با مدیریت برنامه‌ی سوادآموزی، کیفیت آموزش سواد و هم مشارکت مردم در اجرای این برنامه بهبود خواهد یافت.

آقای رحیمی افزود که براساس این برنامه، نصاب آموزشی سوادآموزی در کشور به کمک سازمان یونسکو تغییر خواهد کرد که کتاب‌های آموزشی جدیدی تهیه خواهد شد.

به گفته‌ی او، کتاب‌های سوادآموزی فعلی متناسب با نیازمندی سوادآموزان نیست. این چیزی است که کارشناسان آموزشی بارها آن را مورد انتقاد قرار داده، اما کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

از سوی هم آقای رحیمی گفت یک تا یک‌ونیم درصد کل بودجه‌ی آموزش و پرورش کشور به سوادآموزی اختصاص یافته که به نظر می‌رسد بیانگر توجه ناچیز دولت به سوادآموزی است.

برای نخستین‌بار جشنواره‌ی دانشجویان برتر در دانشگاه کابل بر گزار شد

عالی و رییس دانشگاه کابل نیز در این جشنواره در مورد نقش محصلان در جامعه صحبت نموده و آنان را متوجه مسئولیت‌های‌شان در قبال کشور و مردم‌شان کرد.

در این محفل ۱۱ تن از دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه کابل که از خود خلاقیت و ابتکار نشان داده بودند، از سوی وزیر تحصیلات عالی و رییس دانشگاه کابل تقدیرنامه دریافت کردند.

بهره‌برداری ۶۲پروژه‌ی انکشافی در ولایت سرپل

خبرنامه افزوده که از مزایای این پروژه‌ها حدود ۱۲۳۲۳ خانواده در ۴۶ روستا مستفید شده‌اند.

همچنان در خبرنامه آمده که برنامه‌ی همبستگی ملی وزارت احیا وانکشاف دهات ۶۱۲ روستا را در ولایت سرپل تحت پوشش قرار داده است و تا‌به‌حال توانسته ۲۱۵۶ پروژه را در سکتورهای مختلف تکمیل و مورد بهره‌برداری قرار دهد که در تکمیل کار این پروژه‌ها مردم محل ۱۰ فیصد سهم گرفته‌اند.

کمیسیون تدارکات ملی شش قرارداد به ارزش حدود ۳۷۰ میلیون افغانی را منظور کرد

در خبرنامه آمده که وزارت شهرسازی و مسکن همچنان گزارش بررسی‌های انجام‌شده در مورد ساختمان قصر تپه‌ی پغمان را به کمیسیون ارائه کرد که در زمینه جهت پیشبرد بررسی‌ها و نهایی‌سازی گزارش مربوطه هدایات مشخص صادر شد.

همچنان کمیسیون تدارکات ملی وزارت مالیه و مشاور ارشد رییس‌جمهور در امور زیربنایی را مؤظف کرده تا ظرفیت‌ها و کارکردهای تمامی واحدهای مدیریت پروژه‌ها (PMOs) را که توسط بانک انکشاف آسیایی در وزارت‌ها وادارات دولتی تمویل می‌گردند، مورد بررسی قرار دهند.

گفت که ۶۰ درصد جمعیت کشور بی‌سواداند که ۸۰ درصد آن‌ها را زن‌ها تشکیل می‌دهند.

از سوی دیگر آقای بلخی افزود که از حدود ۱۱ میلیون نفر بالای ۱۵ سال، ۵۰۰ هزار نفر در حدود ۱۵ هزار مرکز سوادآموزی در سراسر کشور مشغول آموزش سوادند. به گفته‌ی او، سالانه تنها حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار نفر موفق می‌شوند که برنامه‌ی سوادآموزی را در این مراکز به پایان برسانند و توانایی خواندن و نوشتن را پیدا کنند.

سردار محمد رحیمی، معین سوادآموزی وزارت معارف گفت که افغانستان یکی از سه کشوری در جهان است که میزان بی‌سوادی به‌صورت گسترده جامعه را به چالش کشیده است.

طرح دولت برای محو بی‌سوادی

در همین حال مقام‌ها در وزارت معارف می‌گویند که طرحی را برای محو بی‌سوادی و اجباری کردن سوادآموزی تهیه کرده‌اند.

سردار محمد رحیمی، معین سوادآموزی وزارت معارف در این همایش گفت که طرح بسیج ملی برای سوادآموزی به‌تازگی در یکی از کمیته‌های کابینه به ریاست سرور

شماری از مقام‌ها دولتی برگزار شد.

فریده مومند، وزیر تحصیلات عالی در این جشنواره گفت آن‌عده از دانشجویانی که در بخش‌های مختلف طرح‌های جدید و مؤثر دارند؛ باید از طریق این برنامه‌ها معرفی و از استعدادهای‌شان در پیشرفت کشور استفاده صورت گیرد.

در خبرنامه‌ی وزارت تحصیلات عالی آمده است که حمید الله فاروقی، مشاور رییس‌جمهور در امور تحصیلات

اطلاعات روز: مسئول ساحوی برنامه‌ی همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات در ولایت سرپل می‌گوید که ۶۲ پروژه‌ی انکشافی این برنامه با هزینه‌ی ۱۱۰ میلیون ۴۷۲ هزار افغانی در حومه‌ی مرکز این ولایت تکمیل و به بهره‌برداری سپرده شده است.

ریاست رسانه‌های برنامه‌ی همبستگی ملی وزارت احیا وانکشاف دهات، دیروز (یک‌شنبه ۳۰ عقرب) با نشر خبرنامه‌یی گفته است که پروژه‌های یادشده شامل اعمار تعمیر ۱۵ باب مکتب، یک باب کودکستان، یک باب

کمیسیون تدارکات ملی شش قرارداد به ارزش حدود ۳۷۰ میلیون افغانی را منظور کرد

اطلاعات روز: کمیسیون تدارکات ملی در نشست شام روز شنبه خود، شش قرارداد به ارزش حدود ۳۷۰ میلیون افغانی را منظور کرده است.

دفتر رسانه‌های ریاست‌جمهوری با نشر خبرنامه‌یی گفته است که قراردادهای منظورشده شامل ایجاد مرکز تکنالوژی معلوماتی برای دانشگاه ولایت فاریاب، بازسازی سرک با فرش جغلی از جانی‌خیل الی کوتل سورکی در ولایت پکتیا، بازسازی سرک با فرش اسفالت از شهر زرنج الی ولسوالی کنگ بخش ولایت نیمروز می‌باشد.

خبرنامه افزوده که همچنان چند قرارداد با افزایش قیمت

پروژه تعدیل شده است. این پروژه‌ها شامل ساخت سرک فیض‌آباد الی بهارک ولایت بدخشان به‌طول ۴۴ کیلومتر، تمدید میعاد زمانی پروژه‌ی خدمات مشورتی جهت نظارت از سرک فیض‌آباد الی بهارک ولایت بدخشان و تمدید زمانی اعمار تعمیر مرکزی اداره‌ی ملی محیط زیست است که مورد تایید کمیسیون قرار گرفت.

از سوی دیگر کمیسیون تدارکات ملی، قرارداد پیشنهادی وزارت شهرسازی و مسکن برای ساخت تعمیر اداری ولایت بلخ را برای بررسی‌های بیشتر انجام کاری و نقشه‌ها اعاده کرده است.

یک فرمانده گروه ۲۰ نفری شبکه‌ی تروریستی حقانی در پکتیا باز داشت شد

دارد که به خبیر مشهور بوده و در نتیجه‌ی عملیات ویژه‌ی مأموران امنیت ملی از مربوطات ولسوالی زرمت ولایت پکتیا بازداشت شده‌است.

در خبرنامه آمده که فرد بازداشت شده اعتراف کرده است که مسؤلیت پیشبرد فعالیت‌های تخریبی و تروریستی شامل

یک گروه‌ر بایندگان حرفه‌یی توسط پولیس

قندهار بازداشت شد

اطلاعات روز: وزارت داخله می‌گوید یک گروه آدم‌ربایان حرفه‌یی در یک عملیات ویژه‌ی نیروهای پولیس ملی از مربوطات حوزه‌ی ششم امنیتی شهر قندهار بازداشت شده‌اند. وزارت داخله دیروز (یک‌شنبه، ۳۰ عقرب) در خبرنامه‌یی نوشته که لطیف، محمد، نجیب الله و عبدالاحد اعضای این گروه اند که روز شنبه از سوی نیروهای پولیس بازداشت شدند. در خبرنامه آمده که این گروه، چندی پیش، یکی از باشندگان شهر قندهار را ربوده و در بدل رهایی وی، مبلغ پنج میلیون کلدار پاکستانی درخواست کرده بود. وزارت داخله می‌گوید که در عملیات ویژه‌ی نیروهای پولیس فرد ربوده‌شده از چنگ ربایندگان آزاد شده است.

از وقوع یک حمله‌ی انتحاری در ولسوالی بهارک

بدخشان جلوگیری شد

اطلاعات روز: وزارت داخله اعلام کرده است که نیروهای پولیس ملی از وقوع یک حمله‌ی انتحاری در بازار ولسوالی بهارک ولایت بدخشان جلوگیری کردند.

در خبرنامه‌ی وزارت داخله که دیروز منتشر شد، آمده ست که فرد تروریست می‌خواست که شام روز شنبه خود را در میان مردم ملکی در بازار ولسوالی بهارک منفجر نماید که توسط پولیس شناسایی و هدف تیراندازی قرار گرفت و کشته شد.

در خبرنامه آمده که نیروهای پولیس ولایت بدخشان، قبلاً در مورد احتمال وقوع یک حمله‌ی انتحاری اطلاعاتی را به‌دست آورده بودند که مبتنی برآن، تدابیر پیشگیرانه اتخاذ نموده و قادر به جلوگیری از این حمله شدند.

خبرنگار ناراضه

هادی دریابی

گفت و گو به شرط چاقو

وزارت جلیله‌ی معارف اعلام کرده که طرحی روی دست دارد که منجر به تغییر موقعیت افغانستان در جدول بی‌سوادترین کشورهای جهان می‌شود. به گفته‌ی یکی از مقامات این وزارت، افغانستان در حال حاضر که سربلندترین کشور جهان نیز است، فقط از دو کشور آفریقای بی‌سوادتر است. به این معنا که در دنیا فقط دو کشور وجود دارد که نسبت به افغانستان عزیز بی‌سوادترند. این مقام وزارت معارف که نخواست نامش به رسانه‌ها درز کند گفت: هرچند ما روابط رسمی با آن دو کشور آفریقای بی‌سوادترند که نسبت به ما بی‌سوادترند نداریم، اما از طریق کمیته‌ی ملی سازمان ملل بخش یونسکو به آن‌ها نامه روان کرده‌ایم و گفته‌ایم که ننگ‌تان باد در قرن بیست‌ویک بی‌سواد هستید. در ضمن به آن‌ها اعلام کرده‌ایم که اگر مشکلات امنیتی ندارید، ما حاضریم بباییم در سوادآموزی به مردم شما کمک کنیم. البته هنوز این نامه به آن‌ها نرسیده، گمانم در مسیر راه‌شان تلاشی زیاد است. ما منتظر جواب‌شان هستیم.

در همین رابطه گفت‌وگویی با یکی از مقامات وزارت معارف انجام دادیم به شرط چاقو! (گفت‌وگو به شرط چاقو این است که هویت آن مقام باید محفوظ بماند، چون نمی‌خواهد از کار برکنار شود، به معاش ضرورت دارد.)

من: گفتید حدود ۱۱ میلیون نفر بالای ۱۵ سال در افغانستان بی‌سواد مانده، شما می‌خواهید به این‌ها سواد یاد بدهید؟
او: بله. طبق آمار که از یونسکو به دست ما رسیده، حدوداً ۱۱ میلیون نفر بی‌سواد داریم.

من: از نظر شما سواد یعنی چه؟

او: سواد یعنی توانایی خواندن و نوشتن. مثلاً فرض کنید همین قبلگاه من که حالا بی‌سواد است، چیزی را خوانده نمی‌تواند و چیزی هم نوشته نمی‌تواند. وقتی باسواد شد به‌خیر، می‌تواند بنویسد که حویلی خوشحال‌خان متعلق به فلان ارجمندش است و به حویلی کارته چهار غیر از فلانی بیچیم (که من باشم) کسی حق ندارد دست بزند، هرکس دست بزند خدا دست او را قطع کند.

من: اجازه بدهید این پنج‌شنبه برای قبلگاه شما دعا کنم که زودتر باسواد شود. اما در کل اگر فایده‌ی باسواد شدن را بگویی، خوب خواهد شد.

او: فایده زیاد دارد. وطن ما پیش‌رفت خواهد کرد، جنگ کم خواهد شد. همین دو فایده‌اش هم برای ما زیاد است.

من: یعنی می‌خواهید بگویید جنگ و عقب‌مانده‌گی تقصیر همین ۱۱ میلیون بی‌سواد است؟

او: خبی تقصیر کیست؟

من: من فکر می‌کنم تقصیر من است.

او: تو چه کاره‌ی مملکتی که تقصیر تو باشد؟

من: من باسوادم. متن فارسی و پشتو را خوانده می‌توانم، نوشته می‌توانم. من برنامه می‌ریزم که کدام ولایت نامن شود، کدام ولایات محروم بماند، در کدام ولایات مصرف زیاد شود. حتا من با هیلی کوپترها طالبان کرام را از یک ولایت به ولایت دیگر انتقال می‌دهم. پس حتما تقصیر من است. لطفاً به گردن آن‌هایی که بی‌سوادند، تقصیر آویزان نکنید.

او: گمشکو برادر! از این حرف‌ها بگذریم، یگان سوال دیگر اگر داشته باشی بگو.

من: شما چه وقت باسواد شدید و تا حال چه قدر کتاب خوانده‌اید؟

او: من در هفت سالگی کم‌کم از نعمت سواد برخوردار شدم. از صنف اول تا صنف دوازده مکتب، از صنف اول پوهنتون تا صنف چهار پوهنتون، اگر خدا گردنم را نگیرد، شاید یک ۲۰۰ کتاب شده باشد که من خوانده‌ام. از پوهنتون که فارغ شدم، دیگر کتاب نخواندم. پدرم می‌گوید همین قدرش هم بس است.

من: شنیده‌ام وزیر معارف خیلی کتاب زیاد می‌خواند. گفته می‌شود ماه یک جلد کتاب می‌خواند، راست است؟

او: من خبر ندارم. ندیده‌ام او کتابی در دستش باشد و مطالعه کند.

من: گفته می‌توانید که کارمندان ارشد وزارت معارف حداقل سال چند صفحه مطالعه می‌کنند؟

او: یک تعدادش را که من می‌شناسم، اگر کدام کتاب قصه‌ی خوب گیرشان بیاید، مطالعه می‌کنند، در غیر آن والله اگر روی کتاب را باز کنند.

من: تشکر که وقت گذاشتید.

او: نامم را ذکر نکنی بچه وطن که کاروبار ما خراب میشه.

من: نمی‌کنم، خاطر جمع باش.

او: خیر ببینی، دعا یادت نرود. دعا کن که طرح ما تطبیق شود و نتیجه بدهد و بدبختی از افغانستان خلاص شود.

من: باشد اگر تا آن زمان خودکشی نکردم.



ذکی دریابی

صلاح‌الدین ربانی؛ فرزندی که پس از مرگ پدر تنها شد

همچنان وزارت امور خارجه در این مورد خلاصه نمی‌شود. غنی آن‌گونه که با کمیته‌سازی‌ها و کمیسیون‌ها تمامی روندهای اقتصادی، سیاست‌گذاری، امنیتی و تدارکاتی را در ارگ انحصار کرده، صلاح‌الدین ربانی در دو سال گذشته نقش چندانی در تفری‌ها و برنامه‌ریزی‌های وزارت نداشته است. مثلاً سفرای افغانستان در واشنگتن، چین، آلمان، انگلستان، روسیه، پاکستان و تمامی کشورهای مهم مستقیماً با رییس‌جمهور در تماس بوده و هیچ مسئولیتی در برابر وزیر خارجه نداشته‌اند. از جانب دیگر، سفرای کشورهای مهم است، که داشتن روابط با آن‌ها به هر دلیلی به افغانستان مهم است، نیز مشترکات کاری با وزارت خارجه نداشته و مستقیماً با ریاست‌جمهوری سروکار داشته‌اند.

بنابراین صلاح‌الدین ربانی از تشکیل حکومت وحدت ملی تا هنوز، از دو جهت درگیر این اختلاف‌ها برسر تفری‌ها و توزیع صلاحیت‌ها و قدرت بوده است؛ وزیر خارجه و رییس‌حزبی که بر اساس توافق‌نامه نامزدشان ۵۰ درصد قدرت را با تیم انتخاباتی‌اش تسجیل کرده، اما در عمل آن را به رقیب واگذار کرده است. از جانب دیگر، صلاح‌الدین ربانی به‌عنوان رییس حزب جمعیت کلیدی‌ترین وزارت مربوط به تیم اصلاحات و همگرایی را نیز عهده‌دار شده و پس از عبدالله عبدالله قدرتمندترین فرد حزب جمعیت و ستاد انتخاباتی اصلاحات و همگرایی در حکومت وحدت ملی بوده است. بنابراین، ریاست حزب جمعیت اسلامی که یکی از تأثیرگذارترین احزاب چند دهه‌ی گذشته بوده و عهده‌داری وزارت امور خارجه انتظارات فراوانی را نسبت به صلاح‌الدین ربانی خلق کرده بود. اما واگذاری اختیارات و تسلیمی یکی‌یکی صلاحیت‌های وزارت امور خارجه به ریاست‌جمهوری و یاران غنی، اقتدار وزارت خارجه‌ی افغانستان را در دوران صلاح‌الدین ربانی با افول مواجه کرد و صلاح‌الدین با اقتدار از لحاظ سیاسی و بی‌اقتدار از لحاظ حکومتی در دو سال گذشته همزمان با از دست دادن میراث‌های پدری و فرصت‌های خدادادی، اقتدار وزارت خارجه و هیبت ریاست حزب جمعیت اسلامی را نیز با خودش در تحولات سیاسی و بازی‌های پیچیده‌ی قبیله‌ی قومی به قمار بست.

این باخت زمانی روشن شد که مجلس نمایندگان در یک اقدام عجیب و غیرمنتظره ۱۶ وزیر کابینه را استیضاح کرد و وزرای ناتوان‌تر از صلاح‌الدین را ابقا، اما صلاح‌الدین ربانی از سمت وزارت امور خارجه با تمام داشته‌های میراثی، تحصیلی، سیاسی و پشتوانه‌ی قومی اینک برای ابقایش چشم به راه تصمیم دادگاه عالی است. تمام توانایی صلاح‌الدین در برابر آن‌چه که او یک «کودتای سیاسی» علیه خودش عنوان کرد، همین یک کلمه‌ی «کودتای سیاسی» بود. هرچند که ریاست‌جمهوری هیأتی را به دیدار فرستاد و جلسه‌ی با نمایندگان مجلس ترتیب داد، اما همه‌ی این مراسم‌ها و تلاش‌ها بیشتر شبیه یک دل‌داری بچگانه بود تا کرنشی آگاهانه در برابر وزیر امور خارجه و رییس حزب جمعیت اسلامی افغانستان.

به‌نظر می‌رسد که حزب جمعیت نیز در میان کرختی سیاسی یک‌ونیم دهه‌ی گذشته و زوال افراد نامدارش در حیطه‌های اقتصادی، توانایی سیاسی مدیریت این وضعیت را ندارد.

روزی که (۲۹ سنبله ۱۳۹۰) برهان‌الدین ربانی رییس شورای عالی صلح در خانه‌اش توسط یک مهاجم انتحاری ترور شد، صلاح‌الدین ربانی پسر ارشدش به‌عنوان سفیر افغانستان در ترکیه خدمت می‌کرد. سفارت افغانستان در ترکیه بالاترین سمتی بود که تا هنوز صلاح‌الدین ربانی با وجود چند مدرک تحصیلی (لیسانس مدیریت و بازاریابی از دانشگاهی در عربستان، مدرک ماستری مدیریت و تجارت از دانشگاه کینگستون بریتانیا و مدرک ماستری دیگر در رشته‌ی روابط بین‌الملل از دانشگاه کلمبیای نیویورک) - در آن کار کرده بود.

پس از ترور پدرش، صلاح‌الدین ربانی درمیان میزان به‌عنوان سرپرست حزب جمعیت انتخاب شد و به دنبالش در ماه حمل ۱۳۹۱ توسط شورای عالی صلح و تأیید کرزی به مقام ریاست شورای عالی صلح افغانستان گماشته شد.

این‌گونه صلاح‌الدین ربانی پس از ترور پدرش هر دو سمت او (شورای عالی صلح و ریاست حزب جمعیت) را به میراث گرفت و پس از تشکیل حکومت وحدت ملی که منجر به تقسیم پنج‌ه - پنجاه قدرت میان دو نامزد دور دوم انتخابات شد، صلاح‌الدین ربانی با حفظ ریاست حزب جمعیت اسلامی در تاریخ ۱۳ دلو ۱۳۹۳ به‌عنوان وزیر امور خارجه‌ی افغانستان آغاز به کار کرد.

تقسیم قدرت میان عبدالله عبدالله نامزد حزب جمعیت در انتخابات و اشرف غنی بر اساس توافق‌نامه‌ی سیاسی باعث تنش‌ها و مخالفت‌های عمیقی در حکومت وحدت ملی شده است. نشانه‌ها و مواردی از این اختلافات پس از بیشتر از دو سال هنوز بر سر تعیینات، اختیارات و مسئولیت‌ها وجود دارد. این اختلاف‌ها از سطح بالا میان دو مقام حکومت وحدت ملی (رییس‌جمهور و رییس اجرائیه) تا سطوح پایین‌تر جریان داشته و دارد. صلاح‌الدین ربانی به‌عنوان وزیر خارجه‌ی افغانستان نیز بخشی از این اختلاف‌ها را تجربه کرده و با آن درگیر بوده است.

یکی از درگیری‌های جدی وزیر امور خارجه به‌عنوان وزیر و رییس حزب جمعیت با ریاست‌جمهوری، بر سر تقرر یوسف نورستانی رییس کمیسیون مستقل انتخابات بود. رییس‌جمهور با صدور حکمی یوسف نورستانی را به‌عنوان سفیر افغانستان در استرالیا معرفی کرد، اما صلاح‌الدین ربانی با تقرر نورستانی به‌عنوان سفیر مخالفت کرد. دلیل این اختلاف بسیار روشن بود: از نگاه جمعیت و نامزد حزب جمعیت و ستاد انتخاباتی‌اش، یوسف نورستانی یکی از افرادی است که غایله‌ی بزرگ انتخابات ۹۳ را ایجاد و مسئول آن بود. بنابراین، تقرر او به‌عنوان سفیر برای عبدالله و صلاح‌الدین ربانی پیامدهای منفی در افکار عمومی و آینده‌ی سیاسی آنان و حزب جمعیت داشت. بنابراین صلاح‌الدین با ایستادگی و حمایت سیاسی همفکرانش مانع تقرر نورستانی شد و نورستانی در یک فرمان دیگر به‌عنوان مشاور رییس‌جمهور گماشته شد. اما در موارد دیگر با وجود مخالفت، نتوانست جلو تقرر افراد نزدیک به رییس‌جمهور را بگیرد. مثلاً شکر به بارکزی و شبنکی کروخیل با وجود مخالفت تیم رقیب غنی و وزیر امور خارجه در سفارت‌های افغانستان در ناروی و کانادا گماشته شدند.

اما اختلاف‌های ریاست‌جمهوری با ریاست اجرائیه و

سرزمین‌های درهم‌شکسته: جهان عرب چگونه فروپاشید؟

■ نیویورک تایمز/اسکات اندرسون ■ ترجمه: معصومه عرفانی

قسمت بیست و دوم

فصل پنجم: مهاجرت (۲۰۱۵-۲۰۱۶)



۳۲. وقاص حسن (عراق)

در ماه دسامبر ۲۰۱۵، وقاص حسن به ظن تروریست بودن در یک ایستگاه کوچک پلیس سابق در نزدیکی یک روستا در حدود ۱۰ مایلی کرکوک در بازداشت بود. وقاص که اکنون ۲۱ سال داشت، همراه با تقریباً ۴۰ مظنون دیگر، تقریباً تمام ساعت بیداری‌اش را در حالت زانورده در اتاقی کوچک و متعفن در زندانی مخفی سپری می‌کرد که توسط آسایش، سرویس امنیتی دولت منطقه‌یی کردستان، اداره می‌شد. در موارد نادری که او را از آن اتاق عمومی خارج می‌کردند، دست‌ها و چشم‌هایش بسته بود. سه ماه پس از گرفتاری در خیابان‌های کرکوک، او هنوز نمی‌توانست حدس بزند کجا است.

وقاص پس از دستگیری‌اش به سرعت اعتراف کرد که جنگجوی داعش بوده است. او جزئیاتی از مأموریت‌هایش را که شامل شش اعدام در موصل بود، برای آن‌ها توضیح داده بود. مشخص نیست که آیا این اعتراف از طریق شکنجه گرفته شده بود یا خیر. وقاص در زمان مصاحبه‌اش با من در زندان، تاکید داشت که بازجویان آسایش به هیچ عنوان با او بدرفتاری نکرده‌اند، اما حتی زندانبان شکنجه‌شده نیز زمانی که اسیرکنندگان بالای سرشان باشد، معمولاً همین را می‌گویند. در دو مصاحبه‌ی طولانی که با او داشتم، حرف‌های این مرد جوان گاهی گفته‌های دیگرش را نقض می‌کرد. این اتفاق‌ها شاید نتیجه‌ی تلاش او برای ارزیابی پاسخی بود که او باور داشت پرسش‌کننده و اسیرکنندگان می‌خواهند بشنوند. با این حال، به نظر می‌رسید که صدقاتی درونی در واژه‌هایش وجود دارد که شاید تاحدودی ناشی از یک وجدان زخمی بود.

او گفت: «من کارهای بدی انجام داده‌ام. من باید آن‌ها را در نزد خداوند اعتراف کنم.»

وقاص مدت کوتاهی پس از دستگیری، در مورد برادرش محمد نیز صحبت کرده بود. یک ماه طول کشید تا آسایش بتواند بزرگ‌ترین برادر حسن را دستگیر کند، و او در زندان دیگری در نزدیکی کرکوک نگهداری می‌شد. از زمان دستگیری، هیچ تماسی میان برادران وجود نداشت. اما وقاص امیدوار بود محمد نیز همه‌چیز را کامل توضیح بدهد. به گفته‌ی او، در حال حاضر هدف اصلی‌اش این بود که با کمک به مقامات برای شناسایی همکارانش سابق خود در داعش که هنوز زنده بودند، کفاره‌ی گناهانش را پرداخت کند. او گفت: «اگر شانس دوباره‌یی داشتم، هرگز به داعش ملحق نمی‌شدم. من کارهای شیطانی که آن‌ها انجام دادند دیده‌ام، و حالا

می‌دانم که آن‌ها مسلمان واقعی نیستند». این جوان ۲۱ ساله به‌خوبی می‌دانست که باوجود تغییر عقایدش، چه آینده‌یی انتظارش را می‌کشد. او به من گفت: «من با خیالات زندگی نمی‌کنم و هیچ امیدی هم ندارم. باور دارم که بقیه‌ی زندگی من در زندان خواهد گذشت.»

اما باور او بر این اساس بنا شده بود که وقاص می‌دانست توسط بازجویان دولت منطقه‌یی کردستان دستگیر شده است و در بازداشت کردها قرار دارد. در حقیقت، آینده‌ی ترسناک‌تر در انتظار وقاص بود؛ آینده‌یی که یکی از افسران نیروهای آسایش در این زندان مخفی، برای من توضیح داد.

پس از حوادث ماه جون سال ۲۰۱۴، زمانی که ارتش عراق در کرکوک، پیش از حمله‌ی داعش از شهر گریخت و کردها به سرعت جای آن‌ها را پر کردند، این شهر در کنترل نیروهای مشترک عراقی و کردی قرار گرفت، گرچه این همکاری در حد زیادی فقط روی کاغذ بود. در عمل، مقامات کرد اعتماد کمی به هم‌تایان عراقی خود داشتند و در رابطه با مسائل امنیتی، حتی انگیزه‌ی کمتری برای همکاری وجود داشت. این شکاف، در رابطه با

مسائل مربوط به داعش روشن‌تر از سایر موارد است. این مقام سرویس امنیتی آسایش برای من توضیح داد: «به همین دلیل است که ما به عراقی‌ها در رابطه با افرادی که این‌جا نگهداری می‌کنیم اطلاعی ندادیم. اگر این کار را انجام می‌دادیم، آن‌ها انتظار داشتند ما این افراد را به آن‌ها تسلیم کنیم، چراکه بیشتر جنایات‌شان در خاک عراق انجام شده است. و بعد این افراد یا بلافاصله کشته می‌شدند، یا اگر به رهبری داعش نزدیک بودند و امکان رشوه‌گرفتن وجود داشت، آن‌ها را آزاد می‌کردند. ما نمی‌توانیم به‌هیچ‌عنوان به عراقی‌ها اطمینان کنیم». باتوجه به این مسائل، برنامه‌ی آسایش این است که وقاص را در بازداشت نگه دارند و از او برای شناسایی دیگر جنگجویان داعش که آن‌ها دستگیر می‌کردند و ممکن بود او با آن‌ها کار کرده باشد، استفاده کنند. زمانی که وقاص دیگر سودی برای آن‌ها نداشت لُلو این تا بازپس‌گیری موصل و گرفتاری مجموعه‌ی بزرگی از جنگجویان داعش که انتظار می‌رود در آن‌جا خود را تسلیم کنند اتفاق نخواهد افتاد- او به مقامات عراقی تسلیم خواهد شد. پس از آن، آینده‌ی او کوتاه و مشخص است.

افسر نیروی آسایش به من گفت: «او فکر می‌کند زنده می‌ماند، چراکه در بازداشت ما قرار دارد و می‌داند که ما کسی را اعدام نمی‌کنیم. اما عراقی‌ها این کار را می‌کنند.

او پس از محاکمه در دادگاه‌های آن‌ها، به مرگ محکوم خواهد شد. سپس برای به دار آویخته‌شدن به زندانی در عراق فرستاده می‌شود.»

زمانی که من از او پرسیدم آیا شناسی وجود دارد که به‌دلیل کمک‌های وقاص برای برداشتن نقاب دیگر مبارزان داعش، قاضی در حکم او ارفاقی داشته باشد، این افسر آسایش سرش را به علامت جواب منفی تکان داد. من پرسیدم آیا ممکن است او بتواند معامله‌یی کند تا زندگی‌اش را نجات دهد، او بعد از تاملی کوتاه، باز هم با تکان سر جواب منفی داد.

او گفت: «شاید امکان داشت، اگر او یک مقام ارشد داعش بود، اما او هیچ‌کسی نیست، فقیر است. بنابراین، نه هیچ شناسی وجود ندارد.»

۳۳. لیلیا سوئیف (مصر)

در ماه جنوری سال ۲۰۱۶، پسر لیلیا، علا، موفق شد نامه‌یی سرگشاده را مخفیانه از سلول خود به نشریه‌ی گاردین ارسال کند. او در نامه‌اش نوشته بود: «ماه‌ها از زمانی که من نامه‌یی نوشته‌ام، و بیش از یک سال از زمانی که مقاله‌یی نوشته‌ام، می‌گذرد. من هیچ حرفی برای گفتن ندارم: هیچ امیدی، هیچ رویایی، هیچ ترسی، هیچ خطاری، هیچ چشم‌اندازی؛ هیچ چیز، مطلقاً هیچ چیز. من تلاش می‌کنم تا به یاد بیاورم زمانی را که به‌نظر می‌آمد فردها پر از احتمالات باشند و زمانی را که باور داشتم واژه‌های من قدرت دارند (حتا اندکی) تا بر فردایی که در راه است تاثیر بگذارند. اما واقعا نمی‌توانم.»

در آن زمان، علا به پایان نخستین سال از پنج سال محکومیت خود در زندان نزدیک می‌شد. پنج سال، همان‌طور که پدرش پیش از مرگ پیش‌بینی کرده بود. او قیمت سنگینی برای سخن‌گفتن از حق خود می‌پرداخت. و یکی از ناخوشایندترین پارادوکس‌هایی که در برابر علا و هزاران نفر از دیگر زندانبان سیاسی امروز مصر قرار داشت، این بود که رویکرد قدیمی توسل به مسایل حقوق بشری در قاهره، دیگر کارآمدی نداشت. در دوران مبارک، در صورت اعمال فشار کافی توسط دولت امریکا و گروه‌های حقوق بشری فعال غربی، این احتمال وجود داشت که یک زندانی سیاسی مصر بی‌سروصدا آزاد شود. اما درسی که جنرال السیسی از سقوط مبارک گرفت این بود که هرگز اجازه ندهد به‌عنوان مزدور غرب دیده شود. فشاری که غرب امروز اعمال می‌کند، تاثیر اندکی دارد و

حتا ممکن است نتیجه‌یی معکوس داشته باشد. لیلیا گفت: «البته که در این شرایط نیز نمی‌توان آرام نشست، چرا که این دقیقاً چیزی است که آن‌ها می‌خواهند. باید به تلاش کردن ادامه داد، حتا اگر بی‌هوده به نظر برسد.»

انعطاف‌ناپذیری رژیم السیسی در رابطه با حقوق بشر، بدون شک با یک واقعیت اقتصادی جدید نیز همراه شده است. امروز، کمک مالی سالانه‌ی امریکا به مصر، کمتر از ۱.۳ میلیارد دلار است، که نسبت به دوران مبارک که در اوج ۲ میلیارد دلار قرار داشت، بسیار کاهش یافته است. در عین حال، عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج، پس از به‌قدرت‌رسیدن سیسی، حدود ۳۰ میلیارد دلار کمک مالی به این دولت ارایه می‌دهند، و باتوجه به سابقه‌ی خود سعودی در چنین مسایلی، بعید به‌نظر می‌آید که بخواهند این دولت را در رابطه با مسایلی همچون زندانبانان سیاسی یا آزادی بیان تحت فشار بگذارند. حقیقت ساده این است که کشورهای غربی به‌طورکل، و ایالات متحده به‌طورخاص، در حال‌حاضر نسبت به هر زمان دیگری پس از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، نفوذ کمتری بر دولت مصر دارند.

لیلیا چنین نتیجه‌گیری می‌کند که زوال اقتصادی اخیر مصر، آن‌چنان سریع و عمیق رخ می‌دهد که به‌باور او، در نهایت اعتمادبه‌نفس باقی‌مانده‌ی رژیم کنونی را تحلیل خواهد برد. او گفت: «سیسی هنوز مخازنی برای پشتیبانی دارد، اما به‌مرور زمان در حال کوچک‌ترشدن هستند. اکنون شرایط به‌تمام‌معنا غیرقابل تحمل است.» اما در ماه مارچ ۲۰۱۶، نشانه‌هایی هرچند مبهم در قاهره و دیگر مناطق مصر وجود داشت که خبر از وقوع جنبش‌های مخالف جدی در آینده می‌داد. لیلیا گفت: «نه، این اتفاق امروز رخ نخواهد داد، و مانند تحریر نیز نخواهد بود. من ۱۸ ماه وقت در نظر می‌گیرم، و بعد یا نوعی کودتا در کاخ اتفاق می‌افتد و جنرال‌ها سیسی را برکنار کرده و شخصی میانه‌روتر را جایگزین می‌کنند، یا ما با موج جدیدی از اعتراضات گسترده مواجه خواهیم بود. اگر چنین اتفاقی بیفتد، دیگر مانند سال ۲۰۱۱ نخواهد بود، بلکه این‌بار با خشونت به‌مراتب بیشتری همراه می‌شود.»

رژیم سیسی نیز به‌وضوح راجع به این وضعیت نگران است. دومین پرونده علیه علا، به‌دلیل انتقاد از سیستم قضایی در صفحه‌ی فیسبوکش، اکنون در دادگاه جریان دارد. ممکن است او با حکم دیگری از شش ماه تا یک سال مقابل باشد. حتا اگر سارنوال‌ها این پرونده را پیگیری نکنند، لیلیا در زمان آزادی پسر ۶۴ ساله می‌شود.

۳۴. آذر میرخان (کردستان)

در نزدیکی روستایی عرب‌نشین که در مسیر قرار داشت، آذر میرخان ماشین را برای مدت کوتاهی متوقف کرد و زیر لب به زبان کردی دشنامی داد. آن‌جا منطقه‌یی فقیر و ویران بود: در سمت چپ، مجموعه‌یی از خانه‌ها و دیوارهای خشتی، و در سمت راست، چهار یا پنج خانه‌ی روستایی در دامنه‌ی کوه قرار داشتند. گروه دوم توجه دکتر را به خود جلب کرد.

آذر برای مدتی به خانه‌های روستایی خیره شد، از پیشروی عرب‌ها به آن منطقه خشمگین بود. او گفت: «آن‌ها روی تپه‌ها هستند. چطور اجازه‌ی چنین کاری به آن‌ها داده شده است؟» بعد، نگاه خود را آهسته به سمت مرکز روستا برگرداند. هیچ کسی دیده نمی‌شد، اما چند خودروی قدیمی در سایه‌ی دیوارها پارک شده بودند.

آذر با لبخند سنگین و ناخوشایندی بر گوشه‌ی لبش به سمت من برگشت و گفت: «می‌بینید؟ تا دو هفته قبل داعش این روستا را کنترل می‌کرد، و مردمی که این‌جا زندگی می‌کردند هیچ مشکلی با آن‌ها نداشته‌اند. آن‌ها همچنان مثل گذشته باقی‌مانده‌اند. ما چهار پیشمرگه را این‌جا از دست دادیم. می‌دانی می‌خواهم چه کاری انجام بدهم؟ می‌خواهم بروم و بولدوزر یک عرب را از او قرض بگیرم. بعد یک مشاور اسرائیلی را بیاورم □ آن‌ها در این موارد خیلی خوب هستند- و در طی دو یا سه روز تمام این منطقه را با خاک یکسان کنم.»

آذر استعداد خاصی برای بیان ظالمانه‌ترین عبارت‌ها را داشت، و من گاهی برایم دشوار بود که تشخیص بدهم او در آن لحظات تا چه حد جدی است. اما آن روز صبح من تردیدی نداشتم که او صادقانه سخن می‌گوید. آن روز، ۲۷ نوامبر سال ۲۰۱۵، شش ماه پس از اولین دیدار من با آذر بود. ما در جاده‌ی بازگشت به سنجار بودیم، شهر ایزدی که داعش در تابستان ۲۰۱۴ وحشیانه آن را ویران کرده بود. در آن ماه‌ها، آذر گاهی به سنگر پیشمرگه‌ها در جبهه‌یی بالاتر از سنجار بازگشته بود تا دست خود را با تیراندازی بر جنگجویان داعش امتحان کند که در سنگر مقابل، تنها ۴۰ متر آن‌طرف‌تر قرار داشتند. اما ارتش پیشمرگه، با پشتیبانی حملات هوایی امریکایی‌ها، به‌تازگی این شهر را پس گرفته بود. آذر نیز در این نبرد شرکت داشت و بازگشت ما به این منطقه، او را نارام و تندخو کرده بود.

این خوی بد او زمانی که ما به سنجار رسیدیم، تشدید شد. بخش زیادی از این شهر که پیش از جنگ نزدیک به ۱۰۰۰۰۰ نفر در آن زندگی می‌کردند، تبدیل به پشته‌هایی از خاک شده بود. پیشمرگه‌ها درحالی‌که هنوز تله‌های انفجاری کوچک باقی‌مانده را جست‌وجو می‌کردند، مسیر بازیکی را در میان خرابه‌ها پاکسازی کرده بودند. در گوشه‌هایی از شهر بقایای اجساد فاسدشده‌ی جنگجویان داعش به چشم می‌خورد. آسیب‌های واردشده بر سنجار آنقدر گسترده بود که در ابتدا به دشواری امکان داشت تشخیص داد که کدام بخش از ویرانی‌ها در نتیجه‌ی غارتگری جنگجویان داعش در طول دوره‌ی اشغال پدید آمده است، و کدام بخش در نبرد دو هفته پیش نابود شده است. اما در حقیقت الگویی وجود داشت. در میدان کوچکی در مرکز شهر، داعش مناره‌یی را که بیش از ۸۰۰ سال در آن‌جا قرار داشت ویران کرده بود. هم‌چنین، آن‌ها تمام معبد‌های ایزدی‌ها در سنجار و یک کلیسای مسیحی در این شهر را نیز با خاک یکسان کرده بودند. بیمارستانی در مرکز شهر هنوز سر پا بود، اما تنها به این دلیل که داعش می‌دانست نیروی هوایی امریکا آن را بمباران نخواهد کرد و بیمارستان تبدیل به سربازخانه شده بود. با این حال، آن‌ها زمان کافی صرف کرده بودند تا تمام تجهیزات پزشکی را نابود کنند. آن‌ها حتا دامسج‌ها و آمبول‌ها را نیز زیر پا خرد کرده بودند.

اما سیاست پاکسازی قومی داعش در محله‌های مسکونی سنجار اوج گرفته بود. با پشت‌سرگذاشتن خیابان‌ها یکی پس از دیگری، دیده می‌شد که تعدادی از خانه‌ها کاملاً سالم و دست‌نخورده باقی مانده است، در حالی که دیگران به انبوهی از سنگ‌های شکسته و آهنگ‌های خمیده تبدیل شده‌اند. نقطه‌ی اشتراک خانه‌های باقی‌مانده این بود که روی دیوارهای خارجی آن‌ها متنی با اسپری‌های رنگی نوشته شده بود که همه یک پیام را می‌رساند: «یک خانواده‌ی عرب در این‌جا زندگی می‌کند». آذر تاکید داشت که این نوشته نه توسط مهاجمان داعش، بلکه توسط خود خانواده‌ها نوشته شده بود.

او گفت: «این پیام خانواده‌ها به داعش بود. ما را عفو کنید، ما با شما هستیم، ما کرد نیستیم. و درست مانند آن روستا، عرب‌ها در این‌جا نیز آسیب ندیده‌اند.»

آن ساکنان عرب اکنون رفته‌اند. آن‌ها پس از نشانه‌هایی از آغاز حملات هوایی امریکایی‌ها گریخته بودند. در بسیاری از خیابان‌های مسکونی، تعدادی از ایزدی‌هایی به شهر بازگشته بودند، خانه‌های عرب‌ها را غارت می‌کردند و ملافه و وسایل خانه را در وانت‌های باری گذاشته و با خود می‌بردند.

دموکراسی در هم و بر هم در افغانستان



The Asian Age
Chayanika Saxena
مترجم: قدرت احمدی

دموکراسی در افغانستان پس از دهه‌ها جنگ و منازعه در کشور مجدداً باز گشت. جایی که شورش‌های خشونت‌بار مجاهدین علیه اتحاد جماهیر شوروی، شهرهای افغانستان را ویران کرد و جنگ داخلی که میان گروه‌های مختلف مجاهدین به راه افتاد خرابی‌های زیادی را در کابل و مراکز ولایات دیگر به جا گذاشت. حاکمیت طالبان تمام مظاهر یک ساختار مدرن سیاسی را از بین برد و این گروه افغانستان را به «قرون وسطا» بازگرداند. انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ که باعث ظهور حکومت وحدت ملی گردید، آرام‌آرام به یک تجربه‌ی غیرقناعت‌بخش تبدیل می‌شود. برگزاری این انتخابات و نتیجه‌ی آن نه تنها مخاطبان داخلی را ناامید کرد، بلکه باعث بی‌میلی جامعه‌ی بین‌المللی نیز گردید. این انتخابات که در آغاز ۲۷ تن برای احراز کرسی ریاست‌جمهوری در آن رقابت می‌کردند، در نهایت به یک میدان رقابت ناسالم میان اشرف غنی و عبدالله عبدالله رهبر ائتلاف ملی افغانستان، تقلیل یافت. انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ که به‌مثابه‌ی یک رویداد مهم درک می‌شد و اولین تجربه‌ی اخذ رأی بدون حمایت مستقیم بین‌المللی بود، به واسطه‌ی تقلب گسترده و دستکاری زیاد آسیب دید.

حکومت وحدت ملی پس از چندین دوره گفت‌وگو بین غنی و عبدالله با میانجی‌گری جان کری وزیر امور خارجه‌ی امریکا تشکیل شد. در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴ بود که حکومت دو جریان در افغانستان با اعتبار رسمی دو ساله شکل گرفت.

بر اساس توافق‌نامه، انتظار می‌رفت حکومت وحدت ملی زمینه‌ی برگزاری لویه‌جرگه را فراهم آورد تا با ایجاد تعدیل در قانون اساسی کشور، ساختار سیاسی حکومت نیز فورموله و قانون‌مند شود.

در توافق‌نامه موافقت شده بود که غنی رییس‌جمهور باشد و عبدالله پست ریاست اجرائیه را که با فرمان رییس‌جمهور ایجاد می‌شود، احراز کند. براساس این توافق‌نامه، انتظار می‌رفت تا پست ریاست اجرائیه، به پست نخست‌وزیری که به واسطه‌ی تعدیل قانون اساسی ایجاد می‌شود، تغییر کند.

از ماه سپتامبر ۲۰۱۴، دو سال ضرب‌الاجل برای این تغییرات در نظر گرفته شده بود. انتظار می‌رفت حکومت وحدت ملی در این مدت قوانین انتخاباتی و نهادهای مرتبط با آن را اصلاح و انتخابات پارلمانی و شوراهای ۳۹۸ ولسوالی را برگزار کند. اما آنچه که آشکار است این است که این تعهد خیلی دور و بعید به نظر می‌رسد. ضرب‌الاجل دو ساله به پایان رسیده است؛ حکومت وحدت ملی عنوان خود را به ندرت توجیه کرده است. تشکیل کابینه‌ی حکومت وحدت ملی نزدیک به دو سال زمان را در بر گرفت. به‌علاوه اختلافات در درون حکومت به معنای آن است که این حکومت به‌درستی

عمل نمی‌کند. حکومت وحدت ملی در خطوط قومی میان رییس‌جمهور پشتون و رییس اجرائیه‌ی تاجیک تقسیم شده است؛ حکومت وحدت ملی بیشتر شبیه یک مصالحه است تا نمایش یک همبستگی.

کمیسیون مستقل انتخابات که ادعا می‌شد بر اساس خویش‌خوری و فساد تشکیل شده، تا هنوز اصلاح نشده است. در حقیقت کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی که پیشنهادش را برای اصلاح نظام انتخاباتی ارائه می‌کرد، کار خود را تقریباً یک سال بعد از [تشکیل حکومت وحدت ملی] آغاز کرد. از میان پیشنهادات این کمیسیون که در کل ۱۱ مورد بود، تنها ۷ مورد آن از سوی رییس‌جمهور قبول شد.

چیزی که مشروعیت حکومت وحدت ملی را بیشتر تخریب کرد، اعلام عمومی موجودیت شکاف در آن بود. در یک اجتماع به‌خاطر بیان مخالفت رسمی، عبدالله عبدالله رییس اجرائیه، رییس‌جمهور افغانستان را یک شخص «نامناسب» خواند.

او ادعا کرد «در مدت سه ماه گذشته شما (رییس‌جمهور) وقت نداشتید که رییس اجرائیه‌ی خود را حتماً برای یک یا دو ساعت رودررو ملاقات کنید؟ برتری شما در چه است که وقت خود را بر آن مصرف می‌کنید؟ کسی که اخیراً دسته‌ی حکومت وحدت ملی را سراسیمه کرده است، جنرال عبدالرشید دوستم معاون رییس‌جمهور است که اخیراً از حکومت خواست دست از تعصبات قومی که در حال پخش آن است، بردارد.

ضرب‌الاجل برای حکومت وحدت ملی قبلاً پایان یافته است. این حکومت باید با پرواز جان کری به کابل و اعلام این‌که هیچ ضرب‌الاجلی وجود ندارد و سال‌های دیگری تا پایان کار حکومت وحدت ملی باقی مانده، نجات می‌یافت. در همین حال وضعیت در افغانستان حتماً بیشتر از این پرمخاطره است. بر اساس گزارش‌ها، حدود ۳۵ درصد خاک افغانستان به‌خصوص مناطق محروم تحت کنترل طالبان می‌باشند.

در حالی‌که سوالات زیادی در مورد این مسائل مطرح است، این غیرقابل انکار است که مقامات از مشروعیت یافتن حکومت ملی در افغانستان که اکنون رو به نقصان است، لذت بردند. داعش بر افغانستان هجوم برده و چندین بمب‌گذاری و اعمال کوچک‌تر تروریستی را به شکل مکرر انجام داده است.

وضعیت اقتصادی در افغانستان تصویر روشنی ارائه نمی‌کند و نارضایتی از حکومت در میان گروه‌های قومی (به‌عنوان نمونه، جنبش روشنائی) رو به افزایش است. این مساله مطمئناً باعث می‌شود که دست‌آوردهای حکومت وحدت ملی در نظر نیاید، هرچند که اندک موثریتی ممکن است داشته باشد.

تمدید قرار داد دوجانبه‌ی امنیتی با امریکا حمایت جاری را از روی کاغذ به «عملیات حمایت قاطع» تضمین

کرد. تعهد مجدد به ارزش ۱۵.۲ میلیارد دلار امریکایی در کنفرانس اخیر در بروکسل، از دست‌آوردهای دیگر حکومت وحدت ملی محسوب می‌شود.

ابتکارات منطقی به‌شمول توتاپ و کاسا ۱۰۰۰ از جمله اقدامات مثبت حکومت وحدت ملی می‌باشد. افغانستان قراردادهای دوجانبه‌ی همکاری‌های اقتصادی، استراتژیک، فرهنگی و سیاسی با بسیاری از همسایه‌های خود و فراتر از آن نیز امضا کرده است.

در سطح داخلی، حکومت وحدت ملی اخیراً خود را به‌خاطر دست‌آوردهایش در گسترش قوانین عادلانه و حکومت‌داری محلی ستایش می‌کند. اجرای توافق‌نامه‌ی صلح با حزب اسلامی حکمتیار یک پیشرفت غیرمترقبه محسوب می‌شود، هرچند عفو گلبندین حکمتیار، «قصاب کابل»، بسیاری‌ها را پریشان و ناراحت کرد.

حکومت وحدت ملی در دو سال کار خود یک ائتلاف پریشان بود که در بسیاری زمینه‌ها از آن عدم اعتماد و اطمینان تراوش می‌کرد. شکاف میان حکومت رو به گسترش است و با احساس رو به‌رشد محرومیت در فساد موجود و توسعه‌ی ضعیف، جهان نیز از سرمایه‌گذاری در این کشور بیزار گردیده است.

به نظر می‌رسد مسیر پیشروی این حکومت همانند گذشته‌ی آن پر پیچ‌وخم است؛ به این معنا که افغانستان مدت‌ها قبل نشانه‌ی پیش‌بینی‌پذیری را گم کرده است. تا زمان برگزاری انتخابات جدید ریاست‌جمهوری هنوز سه سال دیگر باقی مانده است. بسیاری از چیزها و در رأس آن تغییر در قانون اساسی هنوز به‌دست نیامده است.

از لحاظ اقتصادی، در حالی‌که کشور بالای ذخایر عظیم مواد طبیعی قرار گرفته است، سرمایه‌گذاری‌ها در افغانستان به گل خواهد نشست تا زمانی‌که ناامنی در کشور وجود داشته باشد. در بعد اجتماعی، شکاف‌های اجتماعی در افغانستان مورد استفاده‌ی شخصی قرار می‌گیرد تا این‌که از آن در جهت تقویت دموکراسی کار گرفته شود.

به‌طور کلی، ساختارهای دموکراتیک، روندها و آیین‌های آن در افغانستان اعتماد اندکی را القا می‌کند. در حالی‌که مطمئناً معقول نیست توقع موفقیت فوری دموکراسی و حاکمیت قانون را در کشوری داشته باشیم که به‌واسطه‌ی دهه‌ها جنگ و منازعه تخریب شده و هنوز هم از تحولات منطقی‌بی و شرارت دوجانبه در حکومت وحدت ملی متأثر است، [با این‌همه] افغانستان فرصتی را به‌دست آورده بود که باید میکانی‌ها و تکنیک‌های حکومت‌داری را اصلاح و پالایش می‌کرد. حالا وقت آن است که رهبران سیاسی در افغانستان در راستای وحدت جامعه عمل کنند و فرصت‌های بیشتری را ایجاد کنند تا مبادا این فرصت بریاد شود و افغانستان در منازعه و جنگ دائمی باقی بماند.

چهلکده

قصه‌ی آن مرد حکیم

مرد ژولیده‌موی پریشان‌خاطری... عرض شود که این مرد به این خاطر ژولیده‌موی بود که واقعا موی داشت... بلی، مردی ژولیده‌موی پریشان‌خاطری هر روز با گریبان چاک‌چاک در دهکده راه می‌افتاد و مجموعه‌ی بی‌ربطی از کلمات را فریاد می‌زد. می‌گفت کفش، گاو، زخم، بی‌تربیت، کج، خشک، خدایا، مورچه... از این گونه ده‌ها کلمه‌ی دیگر را بر زبان می‌آورد و دهانش کف می‌کرد. بعضی که در روزگار آراسته‌گی و هوشمندی‌اش او را می‌شناختند، می‌فهمیدند که آن کلمات چه معنا می‌دهند و چرا بر زبان او جاری می‌شوند. بقیه چیزی نمی‌دانستند. مخصوصاً کودکان فکر می‌کردند او همین‌طور بی‌خود آن کلمات را می‌گوید. به همین خاطر، هر وقت که او آن کلمات را با دهان کف کرده فریاد می‌کرد، کودکان مجموعه‌ی از کلمات تصادفی دیگر را از پشت او فریاد می‌زدند: شیرپیره، ساجیق، گیم، توپ... نمی‌دانستند که کلمات آن پیرمرد ژولیده‌مو از جنس دیگری بودند.

قصه از این قرار بود که آن مرد ژولیده‌موی پریشان‌خاطر روزگاری مرد محتشمی و پراوازه‌بی بود. همه می‌گفتند متفکری برجسته و انسان خیراندیشی است. هیچ هوسی نداشت جز این‌که روزی مردم وطن‌اش را در سعادت و ترقی و شادکامی ببیند. چیزی برای خودش نمی‌خواست. اگر شب‌وروز با همه‌گان کج خلقی می‌کرد برای این بود که می‌خواست آنان را از فلاکت نجات بدهد و به‌سوی خوش‌بختی رهنمایی کند. تنها عیبی که داشت این بود که بیش از حد در جزئیات زنده‌گی دیگران دقت می‌کرد و بیشتر از آن درباره‌ی هر امری جزئی نگران می‌شد. تا جایی‌که اگر کسی در یک قریه‌ی دورافتاده گوسفند خود را می‌فروخت، او از غصه به پیچ‌وتاب می‌افتاد. فکر می‌کرد اگر او در زمان فروش آن گوسفند می‌بود حتماً معامله‌ی سودمندتری برای صاحب گوسفند سامان می‌داد.

آن کلماتی که با دهان کف کرده فریادشان می‌کرد هم از همان روزگار می‌آمدند. مثلاً وقتی می‌گفت «کفش»، منظورش این بود که چرا جوانان بند کفش‌های خود را خوب نمی‌بندند. یا وقتی می‌گفت «خدایا، مورچه»، اشاره‌اش به جوانی بود که بیست سال پیش مرده بود و پیش از مردن از این مرد ژولیده‌موی داستان ما خواسته بود که برای او شربتی توصیه کند. می‌گفت اگر آن جوان شربت مرا می‌خورد قطعاً حالا زنده می‌بود. وقتی که می‌گفت «کج» منظورش آن بود که سال‌ها پیش مردی خانه‌ی بی ساخته بود در دهکده‌ی دور و دیوار خانه‌ی گلین‌اش کج بود. می‌گفت آن خانه تا حالا حتماً فرو ریخته و خدا می‌داند چندین نفر را زیر گرفته. می‌گفت من باید تک‌تک دیوارها را به دست خودم راست کنم...

خلاصه هر چیزی که او می‌گفت معنای مربوط و مضبوطی داشت. بی‌چاره از غصه‌ی راست کردن تمام کجی‌ها در تمام جاها و به دست شخص شخیص خود آخر مجنون شد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	120\$ USD	۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه	۲۰۰۰ افغانی	شش ماهه
Annual	200\$ USD	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
 معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
 سردبیر: خلیل پژواک
 دبیر خبر: عصمت الله سروش
 گزارشگر: الیاس نواندیش
 ویراستار: عمران راتب
 صفحه‌آرا: هادی دریابی
 بازارباز: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ hussainjoya2014@gmail.com
 ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
 آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
 شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶
 مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
 چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می گردد.



بگو مگو ان facebook



Khadim Hussain Karimi

جرقه‌یی در روزگار قحطی اتحادیه‌های

دانشجویی

می‌شنوم که در دانشگاه کابل، جشنواره‌ی انتخاب بهترین دانشجوی سال دانشگاه با مدیریت اتحادیه‌ی دانشجویان دانشگاه کابل برگزار می‌شود. از تشریفاتی بودن نامزدهای این عنوان و و میکانیزم رای‌دهی و برنده‌ی نهایی که بگذریم، مهم این است که اتحادیه‌ی دانشجویی بالاخره قد کشید. نمی‌دانم این اتحادیه‌ی دانشجویی تازه تشکیل شده یا عمری ازش می‌گذرد ولی من که در چهارسال دانشجویی‌ام در دانشگاه کابل چنین اسمی نشنیده بودم. به هر حال، خوشحالم که اتحادیه‌ی دانشجویی دانشگاه کابل فارغ از کیفیت و اهمیت، کاری صورت داده است. تا جایی که من می‌دانم، دانشگاه‌های دولتی کابل قبل بر این اتحادیه و انجمن دانشجویی نداشته‌اند. در این آشفته روزگار که دانشگاه‌ها به بلاهت‌های بزرگی از فساد و تبعیض و کم سوادی و استبداد مدیران و معلمان تا سوء استفاده‌ی جنسی از دانشجویان دختر آلوده است، یک اتحادیه‌ی دانشجویی پرسشگر، جدی و مطالبه‌گر می‌تواند دانشگاه‌ها را از بخش عمده‌ی بی‌اصوبت‌ها و آلودگی‌ها پاک کند و از حقوق دانشجویان در برابر نظام اداری-آموزشی قاطعانه دفاع کند. نه تنها نظارت و تأثیرگذاری بر دانشگاه‌ها که در مواردی، اتحادیه‌های دانشجویی از بنیانگذاران انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی بوده و در حد سقوط یک حکومت و حتا نظام سیاسی، جامعه را به تحول و دگرگونی کشانده است. اتحادیه‌ها و انجمن‌های دانشجویی کارنامه‌های درخشان و پرماجریابی در مواجهه با نظام‌های آموزشی، اجتماعی و سیاسی در تاریخ کشورها داشته است.

در خصوص مقدار و میزان قدرت اتحادیه دانشجویان دانشگاه کابل، به شخصه نسبت به این موضوع بدبین‌ام و معتقدم با توجه به میکانیزم و دلایل شکل‌گیری اتحادیه‌ی دانشجویان دانشگاه کابل، این مجموعه که باید ناظر بر اداره و روند آموزش در دانشگاه باشد، به یک مجموعه‌ی فرمایشی و منزوی که به درد برنامه‌های سرگرم‌کننده‌ی نظیر برگزاری جشنواره‌ی انتخاب بهترین دانشجوی سال-با این کم و کیف-می‌خورد، تبدیل خواهد شد. امیدوارم این ابراز نظر من، یک بدبینی و منفی‌اندیشی باشد و اتحادیه‌ی دانشجویان دانشگاه کابل بتواند در حد یک اتحادیه‌ی دانشجویی قوی و تأثیرگذار بر امور آموزشی دانشگاه و فراتر از آن، خلق دگرگونی‌های بزرگ اجتماعی و سیاسی، قد علم کند. باید دید آیا شکل‌گیری اتحادیه‌ی دانشجویان دانشگاه کابل، دانشجویان دیگر دانشگاه‌های کشور را به تشکیل چنین اتحادیه‌یی در دانشگاه‌هایشان تحریک خواهد کرد یا خیر. به خصوص در دانشگاه‌های خصوصی که هم نظارت وزارت تحصیلات عالی و هم نظارت از سوی اتحادیه‌ها و انجمن‌های دانشجویی بر امورات آموزشی به شدت می‌لنگد. البته در میان دانشگاه‌های خصوصی پایتخت، نمی‌توان فعالیت و جنب و جوش به نسبت قابل قبول اتحادیه‌ی دانشجویی دانشگاه ابن سینا را انکار کرد.



Amrullah Saleh

قسمت سوم: سیاست قومی و هویتی چه مشکلی را حل خواهد کرد؟

قرار نبود و نیست که این تبصره‌ها دنباله‌دار شود که شد. شماری از هم‌وطنان ما که در دیار غرب زندگی می‌کنند هر از گاهی با رایه راه حل‌های تند و قوم‌ستیز از مردم می‌خواهند که حساب هم‌زیستی را کنار گذاشته و به جنگ قومی رو آورند. همین گروه از برکت فضای هم‌زیستی که در غرب وجود دارد توانسته‌اند زندگی نسبی آرام مادی داشته و در امنیت زندگی کنند. شماری از نسل دوم افغان‌های غرب‌نشین دانش و مهارت‌هایی را کسب کرده‌اند که خیلی‌ها ببرد کشور و مردم ما می‌خورند. من در دنیای مجازی با نزدیک به سه صد هزار انسان مراوده دارم. سال‌هاست در انتظارم که یکی ازین دانشمندان با رایه طرح‌های علمی به سراغ کشور خویش بیایند. هنوز هم انتظار می‌کشم. اما اکثر کسانی که یا از من می‌خواهند به جنگ قومی بروم یا از روی تبار به من دشنام می‌دهند در خارج از کشور زندگی می‌کنند. این مراوده منفی و مثبت باعث گردید با شماری از آن‌ها آشنایی حاصل کنم. متأسفانه اکثر این دوشمشره‌های قومی از حالت افسردگی و یا نیمه افسردگی رنج می‌برند. یکی از راه‌های غلبه بر افسردگی تلاش برای ایجاد ربط و جلب توجه در جامعه است. چون این هم‌وطنان ما توانایی جلب توجه با کار علمی و مثبت را ندارند آسان‌ترین راه برای‌شان همین دامن زدن به اختلافات قومی و زبانی است. آن‌ها ازین راه برای خود در روزمرگی‌ها نقش ایجاد می‌کنند و کمی درد شان تسلی پیدا می‌کند. مثلاً همین‌ها از دونالد ترامپ یا از راست‌گرایان آلمانی شکایت دارند که چرا ضد مسلمان و مهاجرت اند ولی خود از عقب سکرین کمپیوترها و از فرسنگ‌ها راه دور به ما می‌نویسند که نگذارید در فلان منطقه افغانستان بازگشت‌کننده‌های فلان قوم جایجا شود. میان آن‌چه برای خودشان می‌خواهند و آن‌چه به «هم‌وطن غیرتباری» خویش در افغانستان می‌طلبند یک تناقض کشنده، تضاد شدید و جنگ درونی وجود دارد. من یقین دارم این کشمکش‌های درونی نیز از آرامش آن‌ها کاسته است. پیام من به این هم‌وطنان ما این است که خودتان را ازین غوغا بیرون سازید. اختلاف قومی یک واقعیت است اما راه حال آن شمشیر کشی نیست. بیایید برای چند روز مثبت‌اندیشی را تجربه کنید.

رییس جمهور کره‌ی جنوبی در پرونده‌ی فساد دخیل بوده است

نظرسنجی در این زمینه از حدود بیست سال پیش است.

رییس جمهوری کره‌ی جنوبی در اوایل ماه جاری میلادی از این رسوایی سیاسی پوزش خواسته بود. به تاریخ ۴ نوامبر شبکه‌های تلویزیونی کره‌ی جنوبی سخنرانی کوتاه رییس جمهور این کشور را پخش کردند که او با چشمان اشکبار به رسوایی سیاسی اخیر در تشکیلات ریاست جمهوری ابراز تأسف می‌کرد.

او گفت که حوادث اخیر قلب او را شکسته و تاکید کرد که با تحقیقات دادستانی در این باره همکاری کامل به عمل خواهد آورد.

خانم پارک، که ۶۴ ساله است، در این اظهارات خود گفت: «نمی‌توانم خود را بیخشم و شب‌ها از شدت اندوه نمی‌توانم بخوابم.» وی با اشاره به اتهام سوءاستفاده خانم چوی از دوستی با خود، گفت: «تأسف‌آور و دردناک است که می‌شنوم که فرد به خصوصی در زمانی که انتظار می‌رفت توانایی خود را برای بهبود اقتصاد ملی و شرایط مردم به کار گیرد، مشغول سودجویی و سایر اقدامات خلاف مقررات بود.»

خانم چوی را «راسپوتین کره‌یی» توصیف کرد و گفت که او از نفوذ روحانی خود بر پارک گون هه برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود سوءاستفاده می‌کند. رسانه‌های کره‌یی گفته بودند که خانم چوی موقعیت پدرش را به ارث برده اما رییس‌جمهور این اتهام را رد کرده است.

مطرح شدن این پرونده‌ی رییس‌جمهور کره‌ی جنوبی را زیر فشار قرار داده و گفته می‌شود او برای استعفا تحت فشار است.

مخالفتان خانم پارک او را متهم کرده‌اند که به جای در نظر گرفتن شایستگی افراد در انتصاب به سمت مشاوران خود، به توصیه‌های چوی سون سیل عمل کرده و به این ترتیب اصل شایسته‌سالاری و سپردن امور کشور به دست افراد مناسب را نادیده گرفته است.

به گزارش منبع، افشای مداخلات خانم چوی موقعیت سیاسی رییس‌جمهوری را به شدت تضعیف کرده و براساس برخی نظرسنجی‌ها، محبوبیت او در میان مردم به تنها ۵ درصد کاهش یافته که کمترین میزان محبوبیت یک رییس‌جمهور کره‌ی جنوبی از زمان آغاز

اطلاعات روز: مقامات قضایی در کره‌ی جنوبی گفته‌اند که به نظر آنان رییس‌جمهور این کشور، پارک گون هه خود نیز در پرونده‌ی فساد مربوط به چوی سون سیل، یکی از دوستان بسیار نزدیکش در سوءاستفاده از فرصت و امکانات دولتی دخیل بوده است.

لی یانگ ریول، داستان کل کره‌ی جنوبی گفته است که خانم پارک به عنوان «همدست» در این پرونده دست داشته اما وی دارای مصونیت است.

مقامات قضایی کره‌ی جنوبی گفته‌اند که دلیل داشتن مصونیت قضایی رییس‌جمهور، نمی‌تواند اتهام رسمی علیه وی مطرح کنند اما چوی سون سیل به‌طور رسمی متهم شده است. این دوست چندین ساله رییس‌جمهور کره جنوبی، متهم است که به پشتوانه‌ی دوستی با رییس‌جمهور میلیون دالر از شرکت‌ها کمک مالی دریافت کرده است.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، خانم چوی دختر رهبر یک فرقه‌ی مذهبی است که تا زمان مرگش «راهنمای روحانی» خانم پارک بود. در سال ۲۰۰۷، یک دیپلمات امریکایی پدر

خروج قطار از ریل در هند بیش از ۱۰۰ کشته و ۱۵۰ زخمی برجای گذاشت

شده، گرفتار هستند.

نخست‌وزیر هند، نرندرا مودی در توئیتر خود ضمن اظهار تأسف از این حادثه با بازماندگان قربانیان اظهار همدردی کرده است.

هند دارنده چهارمین شبکه‌ی بزرگ راه‌آهن در جهان است و وزارت‌خانه و وزیر و تشکیلات خود را دارد. روزانه ۲۳ میلیون نفر با استفاده از قطار جابه‌جا می‌شوند.

واژگون شدن قطار از ریل مشخص نیست و امدادگران در محل حادثه حضور دارند.

گفته می‌شود بیشتر قربانیان و مجروحان این سانحه در دو واگن نزدیک به لوکوموتیو بوده‌اند که بر اثر شدت حادثه واژگون شده و خسارات شدیدی دیده‌اند.

بی‌بی‌سی فارسی گزارش کرده است که هنوز بسیاری در بین قطعات واگن‌های از ریل خارج

اطلاعات روز: پولیس هند اعلام کرده است که در نتیجه واژگون شدن قطار از خط در ایالت اوتارپرادش بیش از ۱۰۰ نفر کشته شده و دست‌کم ۱۵۰ نفر دیگر زخمی شده‌اند.

گزارش‌ها از هند می‌رساند که بر اثر حادثه‌ی اوایل بامداد روز یکشنبه، ۲۰ نوامبر به وقت محلی ۱۴ واگن قطار مسافربری «ایندور-پنتاکسپرس» در شمال هند از خط خارج شده است. تاکنون علت

اوباما: درباره‌ی ترامپ قضاوت عجولانه نکنید

اداره‌ی ترمپ طرز کارکرد پالیسی‌های تجارته‌ی را ارزیابی کند، فکر می‌کنم آن‌ها به این نتیجه خواهند رسید که این پالیسی‌ها هم به نفع ایالات متحده و هم به نفع شرکای تجارته‌ی ما است.»

اشاره‌ی اوباما به معاهدات تجارته‌ی بین‌المللی‌یی بود که برخی‌ها نگران اند دونالد ترامپ رییس‌جمهور بعدی ایالات متحده آن‌ها را فسخ خواهند کرد. او خطاب به یک گروه‌هایی جوانان در حاشیه‌ی نشست اپیک گفت آن‌چه در کمپاین‌ها گفته می‌شود، با آن‌چه در حکومتداری عملاً صورت می‌گیرد، «همیشه یکسان نیست» و در مبارزات انتخاباتی، کاندیدان سعی دارند احساسات را برانگیزند.

لیمای، پایتخت پیرو، رهبران چندین کشور متحد امریکا، بر نظریه‌های دونالد ترامپ راجع به تجارت جهانی، انتقاد کردند.

شی جن پنگ، رییس‌جمهور چین در بیانیه‌ی خود سرسختانه از تجارت آزاد جهانی دفاع کرده است. صدراعظم نیوزیلاند، جان کی هم گفته است که اجازه داده نخواهد شد که مایوسی شدید ناشی از نظریات ترامپ در زمینه‌ی تجارت آزاد، روند مشارکت اقتصادی بقیه‌ی جهان را کند سازد.

اوباما اما در یک نشست جداگانه در حاشیه‌ی نشست اپیک گفته است که درباره‌ی ترامپ نباید قضاوت عجولانه کرد. او گفته است: «وقتی

اطلاعات روز: باراک اوباما، رییس‌جمهور ایالات متحده‌ی امریکا در واپسین سفرهای خود منحیت رییس‌جمهور برحال امریکا سعی می‌کند نگرانی‌های جهانیان را از بابت مشی دونالد ترامپ، رییس‌جمهور منتخب این کشور کاهش بدهد.

آقای اوباما که برای شرکتدر نشست اپیک به کشور پیرو رفته است، به روز شنبه گفت ترامپ شاید پس از احراز قدرت به عملی کردن وعده‌های زمان کمپاین انتخاباتی‌اش مبادرت نوزد.

به نقل از رادیو آشنا، در نشست سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا پاسفیک یا اپیک در

پیشروی در موصل؛ غیر نظامیان قربانیان اصلی نبرد

امر او در حال بازرسی خانه‌به‌خانه و ختناسازی خطر تله‌های انفجاری و بمب‌گذاری‌های انتحاری گروه «دولت اسلامی» (داعش) هستند.

جنرال حیدر فاضل، یکی دیگر از فرماندهان نبرد موصل نیز به آسوشیتدپرس گفته که شنبه سربازان تحت امر او یک بمب‌گذار انتحاری را در حال راندن به سوی خطوط ارتش عراق پیش از رسیدن به هدف از پای درآوردند. با این حال، این خودرو در نزدیکی یک منزل مسکونی منفجر شد و به کشته‌شدن چهار غیرنظامی و مجروحیت چهار شهروند دیگر انجامید.

العربیدی نیز گفت که بزرگ‌ترین عامل کُندکننده سرعت پیشروی نیروهای ویژه عراق حضور شهروندان است.

نیروهای عراقی نخستین بار سه‌شنبه سوم نوامبر با عبور از خطوط دفاعی داعش وارد ناحیه‌ی شرقی موصل شدند. عملیات بازپس‌گیری موصل، دومین شهر بزرگ عراق از دست داعش ۱۷ اکتوبر و در سه جبهه‌ی شرقی، شمالی و غربی آغاز شد. تاکنون عمده پیشروی‌ها از شرق صورت گرفته و بیش از یک‌پنجم محله‌های این شهر بازپس گرفته شده‌اند.

است. سازمان ملل دلیل این افزایش را نه افزایش تعداد مجروحان، بلکه امکان دسترسی بهتر به محلات بازپس‌گرفته‌شده از داعش و یافتن مجروحان غیرنظامی عنوان کرده‌است.

همچنین داعش نیز در برابر نیروهای عراقی از شهروندان به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کند. شبه‌نظامیان این گروه غیرنظامیان در حال فرار را با رگبار گلوله یا آتش تک‌تیراندازها هدف می‌گیرند.

به گزارش رویترز، مقام‌های عراقی تا کنون از ارائه آمار جامع تلفات غیرنظامی در نبرد موصل امتناع کرده‌اند. آمارهای ارائه‌شده از سازمان ملل هم به احتمال زیاد تنها بخشی از این خسارت‌های جانی را ثبت می‌کند.

پیشروی به قیمت افزایش تلفات غیرنظامیان

جنرال سامی العربیدی، یکی از فرماندهان ارشد ارتش عراق در عملیات موصل، به روز یکشنبه به آسوشیتدپرس گفته است که نیروهای ویژه عراقی محله الظهور در هشت کیلومتری مرکز شهر موصل را به محاصره درآورده‌اند.

او همچنین خبر داده است که نیروهای ویژه تحت

اطلاعات روز: همزمان با پیشروی ارتش عراق در جبهه‌ی شرقی نبرد در موصل، سازمان ملل اعلام کرده که میزان مجروحان نیازمند به کمک فراتر از ظرفیت گروه‌های امدادی است.

براساس گزارش آسوشیتدپرس، یک‌شنبه ۲۰ نوامبر و همزمان با پیشروی ارتش عراق به سمت مرکز شهر، صدها شهروند غیرنظامی از جمله زنان، کودکان و کهنسالان از دل ویرانه‌ها بیرون زدند، محله‌های خود را در شرق که خط مقدم نبرد است، به سمت مناطق امن ترک گفتند.

همزمان با این سازمان ملل گفته است که شمار شهروندان مجروح‌شده در نبردهای شرق موصل چنان بالا رفته که گروه‌های امدادی دولتی و بین‌المللی ظرفیت رسیدگی به آن‌ها را ندارند.

خبرگزاری رویترز نیز گزارش داده است که تنها در هفته‌ی گذشته نزدیک به ۲۰۰ مجروح غیرنظامی و نظامی عراق به شفاخانه منتقل شدند. این تعداد بالاترین آمار گزارش شده در یک هفته از آغاز نبرد موصل است.

به نقل از رادیو زمانه، به‌علاوه، نسبت شهروندان مجروح‌شده به کل مجروحان جنگ در هفته اخیر ۲۰ درصد نسبت به آغاز جنگ افزایش داشته

گوار دیولا: باید شرایط لیگ برتر را

بپذیریم

پپ گواردیولا، سرمربی اسپانیایی منچستر سیتی به تمجید از یحیی توره پرداخت و در مورد شرایط لیگ برتر صحبت کرد.

شنبه شب منچستر سیتی موفق شد در دیداری دشوار، با ۲ گول یحیی توره از سد کریستال پالاس گذر کند.

پیروزی برابر کریستال پالاس: «می‌دانم که بازی کردن در مقابل کریستال پالاس و شکست دادن این تیم بسیار دشوار است. من امیدوارم که با شرایط لیگ برتر تطبیق پیدا کنیم اما این موضوع دشوار است و من در حال هماهنگی با این شرایط هستم. حریف ما بسیار خوب بازی کرد و ما توانستیم علی‌رغم ارائه نمایشی معمولی، پیروز شویم و این در حالی بود که آنطوری که می‌خواستیم بازی نکردیم. برنامه بازی‌ها بسیار دشوار است و ما باید در لیگ قهرمانان نیز بازی کنیم اما باید سختی‌ها را بپذیرفته و تلاش خود را انجام دهیم.»

گول‌زنی یحیی توره: خیلی خوشحالم که او موفق به گول‌زنی شد زیرا او انسان بسیار خوبی است و ما حالا یک بازیکن با کیفیت بیشتر در اختیار داریم که می‌تواند در طول فصل به ما کمک کند. یحیی توره در هفته‌های اخیر عملکرد بسیار خوبی داشته است و رفتاری حرفه‌ای از خود ارائه داده که مورد توجه هم‌بازیانش قرار گرفته است. داشتن یحیی توره به ما اجازه می‌دهد که گزینه‌های مختلفی برای چپش ترکیب داشته باشیم.

مقدرانه‌ترین صدر نشینی رئال

پس از ۲۵ سال

از فصل ۹۲-۹۱ تاکنون سابقه نداشت که رئال در پایان هفته ۱۲ با ۴ امتیاز اختلاف از تیم دوم صدرنشین لالیگا باشد.

رئال شنبه شب در ویسته کالدرون به لطف هت تریک رونالدو موفق شد با سه گول بر اتلتیکو غلبه کرده و با سود بردن از تساوی بارسلونا مقابل مالاگا، فاصله خود با آبی‌ناری‌ها را به ۴ امتیاز افزایش دهد. رئال حالا ۳۰ امتیازی است و بارسلونا ۲۶ امتیازی.

از فصل ۹۲-۹۱، این برای اولین بار است که پس از ۱۲ هفته، رئال با ۴ امتیاز اختلاف نسبت به تیم دوم در صدر قرار دارد. در آن فصل که هنوز هر برد دو امتیاز داشت، رئال با ۲۳ امتیاز بالاتر از اتلتیکو ۱۹ امتیازی قرار داشت. این همچنین بیست و نهمین بازی بدون شکست متوالی رئال مادرید بود و حالا تیم زیدان تنها ۵ بازی با رکورد تاریخی رئال مادرید لئو بین هاکر فاصله دارد.

سیمئونه: به جای همه بازیکنان

ناراحتیم

آخرین دربی در کالدرون با برتری ۳-۰ رئال به پایان رسید. سپیدپوشان موفق شدند با ۳ گول رونالدو، شاگردان سیمئونه را در هم بکوبند و پس از بازی، سیمئونه با وجود ابراز ناراحتی از این شکست مدعی شد که جای نگرانی وجود ندارد.

او گفت: «بیستگی دارد از چه زاویه‌یی به موضوع نگاه کنید. در ۲۰ دقیقه اول نیمه دوم دفاع ما مستحکم بود. گول اول با برخورد به دیوار دفاعی بود. باید به همه چیز با آرامش نگاه کرد. البته که باید به دنبال راه‌حل باشیم. نتیجه همین است که با آن روبرو هستیم. در نیمه اول حریف از ما بهتر بود و ما در ۲۰ دقیقه اول نیمه دوم بهتر بودیم پناالتی امید ما را برای بازگشت به بازی از بین برد. رئال مثل همیشه بازی کرد ولی رونالدو در اوج بود. آن‌ها سیستم‌شان را عوض نکردند و خیلی خوب پرس کردند. من به جای همه بازیکنان ناراحتیم.»

کوکه: شایسته شکست ۳-۰ نبودیم

کوکه، هافبک اتلتیکو مدعی شد که تیمش شایسته شکست ۳-۰ مقابل رئال مادرید نبوده است.

او گفت: «با ناراحتی به خانه می‌رویم زیرا مستحق شکست ۳-۰ نبودیم. شب سختی بود زیرا می‌خواستیم پیروز شویم ولی نتوانستیم، با این حال به آن‌ها تبریک می‌گویم. این که به حریف مستقیم خود باختیم ما را ناراحت می‌کند ولی باید با آن کنار آمد، هنوز خیلی از لیگ پیش روی ماست و بدون شک باید بهتر از این‌ها باشیم زیرا تیم خیلی خوبی هستیم. رئال مستقیم بازی می‌کرد و خیلی راحت بود. سپس گول آن‌ها با خوش چانس به ثمر رسید. در نیمه دوم ما شروع بهتری داشتیم ولی پناالتی کار را خراب کرد که به نظر من پناالتی نبود. پس از پناالتی دیگر بازگرداندن نتیجه ۲-۰ کار دشواری بود.»



رونالدو: هر کاری برای توپ طلا انجام داده‌ام

کریستیانو رونالدو بخت اول توپ طلای ۲۰۱۶ محسوب می‌شود و درخشش شنبه‌شب او، مهر تایید دیگری بر توانایی‌ها و شایستگی‌های او برای کسب این عنوان زد.

رونالدو فصل گذشته با رئال فاتح لیگ قهرمانان شد و کمک کرد پرتگال برای اولین بار در تاریخ خود قهرمان جام ملت‌های اروپا شود.

او با ۱۶ گول، توانست عنوان آقای گولی چمپیونزلیگ را کسب کند و در ۴۸ بازی در همه رقابت‌ها ۵۱ گول نیز برای رئال به ثمر رساند. نزدیک‌ترین تعقیب کننده او مسی است؛ اما پیش‌بینی می‌شود که او چهارمین توپ طلایش را

کارواخال: سویا و ویرئال رقبای ما هستند!

دنی کارواخال، بال راست رئال معتقد است که نه تنها بارسلونا که ویرئال و سویا نیز رقبای رئال برای کسب عنوان قهرمانی هستند.

پیروزی بزرگ رئال در زمین اتلتیکو باعث شد تا فاصله این تیم در صدر جدول با بارسلونا به ۴ و با اتلتی به ۹ امتیاز افزایش یابد.

دنی کارواخال پس از پیروزی ۳-۰ بر اتلتیکو به خبرنگاران گفت: «ایده ما مشخص بود. زیدان از ابتدا یک برنامه مشخص برای دربی تعیین کرده بود و تمام روزهای گذشته روی همان برنامه کار کرده بودیم. هدف ما پیروزی بود و می‌دانستیم که برای شکست اتلتیکو در ویسته کالدرون، باید

لوکاس: رونالدو دهان منتقدانش را بست

لوکاس واسکز شنبه‌شب در دربی مادرید از ابتدا و به عنوان وینگر راست به میدان رفت و خوش درخشید.

در شبی که موراتا غیبت داشت و بنزما هم روی نیمکت بود، زیدان، لوکاس را در سمت راست و پیل را نیز در سمت چپ قرار داد. رونالدو نیز به نوک حمله رفت و ایسکو پشت وی قرار گرفت. با این حربه، رئال توانست ۳-۰ اتلتیکو را شکست داده و فاصله خود در صدر با بارسلونا را به ۴ امتیاز افزایش دهد. ستاره اول بازی هم رونالدو بود که هر سه گول رئال را به ثمر رساند. لوکاس واسکز در انتهای بازی به خبرنگاران

انریکه: با مسی و سوارز هم قبلا باخته‌ایم

لوئیس انریکه، سرمربی بارسلونا حاضر نشد تساوی خانگی تیمش برابر مالاگا را به غیبت مسی و سوارز ارتباط دهد.

سوارز برای این بازی محروم بود ولی مسی یک ساعت قبل از بازی، به علت مشکلات گوارشی از فهرست بارسا خط خورد.

آبی‌ناری‌ها با وجود موقعیت‌های بسیار، نتوانستند مقابل مالاگا به نتیجه‌یی بهتر از تساوی دست یابند.

لوئیس انریکه، سرمربی بارسا در پایان بازی گفت: «از این تساوی همه ناامید و مایوسیم. انتظار این بازی سراسر دفاعی از مالاگا و این همه بدچانس‌ی را نداشتم. تراکم شدید بازیکنان مالاگا در زمین خودشان باورنکردنی بود. فکر می‌کنم به اندازه کافی موقعیت برای کسب پیروزی در این بازی

توخل: باید به هر قیمتی بایرن را

متوقف می‌گردیم

توماس توخل، سرمربی دورتموند مدعی شد که تیمش باید به هر نحوی که شده بایرن را متوقف می‌کرد.

دورتموند شنبه‌شب موفق شد با تک گول اوبامیانگ در دقیقه ۱۱، بایرن را شکست دهد و فاصله‌اش با رقیب قدرتمندش را کاهش دهد. با وجود این که دورتموند با خوش چانس‌ی توانست این ۳ امتیاز را کسب کند، توخل مدعی شد که شاگردانش باید به هر قیمتی که شده حریف را متوقف می‌کردند.

او گفت: «بازی خیلی سختی بود ولی از پیش از بازی می‌دانستیم که سخت خواهد بود. اگر با باورایی‌ها وارد رینگ شوید، نمی‌توانید انتظار داشته باشید که بدون این که زیر چشم‌تان کبود شود از رینگ خارج شوید، در واقع بدون این که گول بخورید. باید آن‌ها را متوقف کرد. این هدف ما بود. بدون توجه به این که چه کاری باید انجام شود، باید حریف را متوقف می‌کردیم. هیچگاه تسلیم نشدیم و با شجاعت به دفاع کردن ادامه دادیم. به بایرن چند موقعیت دادیم ولی موقعیت جدی نبود. برای همین است که عملکرد خیلی خوبی داشتیم.»

آنچلوتی:

باید شکست را قبول کنیم

کارلو آنچلوتی، سرمربی بایرن مونیخ پس از شکست ۰-۱ مقابل دورتموند مدعی شد که تیمش باید شکست را قبول کند و رو به جلو حرکت کند.

دورتموند با تک گول اوبامیانگ موفق شد بایرن را شکست دهد و حال بدین ترتیب، لپزیگ به صدر جدول بوندس لیگا صعود کرد. حالا بایرن ۳ امتیاز با صدر جدول فاصله دارد و آنچلوتی مدعی شد که تیمش باید این شکست را قبول کرده و رو به جلو گام بردارد.

او گفت: «فکر می‌کنم در ۱۵ دقیقه اول کمی سورپرایز شدیم. حریف توانست در همان موقع به ما گول بزند. سپس تا پایان بازی خوب کار کردیم. در نیمه اول و دوم، خوب بودیم. روی ضربات آخر کمی بدچانس بودیم ولی از نمایش تیم مقابل چنین تیم قدرتمندی راضی بودم. باید این شکست را قبول کرد و رو به جلو گام برداشت.»

بایرن برای بازی بعدی خود، روز چهارشنبه به روسیه سفر خواهد کرد تا مقابل روستوف بازی کند.

مارسلو: دشمنان رونالدو بازی را

دوباره ببینند

مارسلو، کاپیتان رئال مادرید در دیدار شنبه شب مقابل اتلتیکو مادرید به تمجید از رونالدو پرداخت و مدعی شد که ستاره پرتگالی بار دیگر منتقدینش را ساکت کرد.

ستاره رئال در دربی حساس مادرید موفق شد هت تریک کند تا جایگاه تیمش در صدر جدول تحکیم شود و اختلاف امتیاز با بارسا و اتلتیکو افزایش پیدا کند.

مارسلو درباره رونالدو گفت: «حرف زیادی برای گفتن به آن‌ها که به توانایی‌های رونالدو شک داشتند وجود ندارد. آن‌ها فقط باید بازی را دوباره تماشا کنند.»

مارسلو درباره غیبت راموس گفت: «امروز فهمیدیم که راموس در بازی حضور نخواهد داشت. در طول گرم کردن او ما را تشویق می‌کرد. او دوست داشت حضور داشته باشد ولی در نهایت بازویند به من رسید.»

مارسلو سپس درباره این که تیمش بدون توپ راحت‌تر است یا با توپ، گفت: «تا وقتی محکم بازی کنیم، در هر دو شرایط راحتیم. اگر محکم باشیم، اعتماد به نفس مان بالا می‌رود. بازی خیلی خوبی داشتیم و ماموریت آسانی پیش روی ما نبود.»

راجرز: می‌توانیم

بارسا را شکست دهیم

برندن راجرز، سرمربی سلتیگ مدعی شد که تیمش می‌تواند تاریخ ساز شود و بارسلونا را در چمپیونزلیگ شکست دهد.

او گفت: «هر بازی متفاوت است. وقتی به ورزشگاه ما می‌آید، تنگناری دیگر در انتظار شماست. بارسا تجربه بازی کردن در اینجا را دارد و می‌داند که کار سختی خواهد داشت ولی خوشبختانه ما در این مدت کوتاه تیمی ساخته‌ایم که منتظر حریفش نخواهد بود. باید هجومی باشیم. می‌دانیم که حریف برخی از بهترین بازیکنان تاریخ را در اختیار دارد ولی باید مقابل آن‌ها با بیستیم. این که حس می‌کنیم می‌توانیم پیروز شویم فوق‌العاده است. این نشان می‌دهد باشگاه در چه مسیری قرار دارد.»

رییس جمهور: بودجهی اسفالت سرک ولسوالی چشت شریف - هرات موجود است

اکلیل حکیمی، وزیر مالیه در این نشست گفته که بخشی از بودجهی این سرک از کمک ایتالیا می باشد و قرار است کار تدارکاتی آن آغاز شود. محمود بلیغ وزیر فواید عامه، گفته است که شخصاً از نزدیک کار این سرک را تعقیب کرده است. به گفته ی او، این سرک شش سال قبل توسط یک شرکت ترکی دیزان شده بود، اما حالا کشور ایتالیا می گوید که نیاز به دیزاین مجدد آن می باشد. شهیدزاده، نماینده ی هرات در مجلس نمایندگان در این دیدار گفته است که سرک چشت شریف - هرات از سال ۱۳۹۰ شامل بودجه بوده، اما هر سال بودجه اش دوباره انتقال پیدا کرده است. به گفته ی او، اگر این سرک اسفالت نشود مردم محصولات زراعتی شان را به شهر هرات انتقال داده نمی توانند و رفت و آمد آنان نیز با مشکل مواجه می شود.

این جاده و متوقف شدن ده ها معدن و فابریکه ی سنگ تهیه کرد که نشان می داد به سبب مسدود شدن این مسیر، فعالیت دست کم هشت معدن سنگ در ولسوالی چشت شریف و بیش از ۵۰ فابریکه ی سنگ در شهرک صنعتی هرات متوقف شده، هزارها کارگر بیکار و صاحبان معدن و فابریکه داران روزانه هزارها دالر خسارت متقبل شده اند. آن زمان عزیز مدبر، رییس دفتر وزارت فواید عامه به اطلاعات روز گفته بود که مشکل عمده ی این جاده مسأله ی بودجه است. به گفته ی آقای مدبر، ایتالیا متعهد شده است که هزینه ی این پروژه را به صورت قرضه به افغانستان بپردازد اما تاکنون بودجه ی آن آماده نشده است. اکنون والی هرات در این دیدار گفته که تاکنون این جاده بر روی موترهای سنگ مرمر بسته است.

او به بزرگان هرات وعده داده که تا سه هفته ی دیگر دوباره از طریق ویدئو کنفرانس با آنها در مورد این که بعد از بررسی چه اقداماتی را در این خصوص می توان انجام داد، صحبت خواهد کرد. اظهارت آقای غنی در حالی ست که مردم ولسوالی چشت شریف ولایت هرات از مدت سه ماه به این سو جاده ی این ولسوالی به سمت مرکز شهر هرات را در اعتراض به خراب شدن جاده از اثر رفت و آمد موترهای سنگین وزن سنگ مرمر و بی توجهی دولت به اسفالت این جاده ی ۱۷۰ کیلومتری که چهار ولسوالی هرات را به مرکز وصل می کند، بر روی موترهای سنگ مرمر مسدود کرده اند. حدود یک ماه پیش روزنامه ی اطلاعات روز گزارشی از مسدود شدن این جاده بر روی موترهای سنگ، بی توجهی دولت به ساخت

اطلاعات روز: رییس جمهور غنی عصر دیروز (یکشنبه، ۳۰ عقرب) در دیدار با بزرگان ولایت هرات در ارگ گفته است که بودجه ی اسفالت سرک ولسوالی چشت شریف - هرات موجود است. محمد آصف رحیمی، والی هرات در این دیدار گفته است که از مدت یک سال به این طرف تقاضای مردم هرات این است که سرک چشت شریف - هرات اسفالت شود. آقای غنی ضمن این که گفته بودجه ی ساخت این سرک موجود است، از بزرگان هرات فرصت خواسته تا بررسی کند که چگونه می توان کارها برای اسفالت سرک چشت شریف را سرعت بخشید. غنی همچنان گفته که در چهار ماه آینده روی آب و برق ولسوالی هایی که در مسیر سرک چشت شریف قرار دارند، کار می شود.

Facebook.com/flyariana
#ariana.afghan.ariana
twitter.com/flyARIANAafghan
youtube.com/user/flyariana

+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333
www.flyariana.com
info@flyariana.com

داریانا افغان هوایی شرکت جهت عرضه خدمات بهتر هوایی و ایجاد سهولت به هوطنان عزیز تخفیف های ویژه را در قیمت تکت ها قرار ذیل ارائه نموده است:

- 30% تخفیف برای دیپلمات های محترم
- 20% تخفیف برای کارمندان محترم دولت
- 25% تخفیف برای محصلین گرامی
- 20% تخفیف برای ورزشکاران پر افتخار تربیت بدنی و المپیک
- 20% تخفیف برای افراد دارای معلولیت

د خاړني، ساتني او کار موندني (MCG) پروژې په لړ کې



د کلیو د بیا رغونې او پراختیا وزارت د هیواد دکلیوالو د ژوند د ښه والي او د بیوزلی د کچې دکمولو په موخه د هیواد په بیلابیلو ولایتونو کې د کارموندني، خاړني او ساتني پروژه په لاره اچولې ده چې په ترڅ کې یې زموږ یوشمیر زیات وزگارو اوبې روزگارو کلیوال په سالم کار بوخت شوي او د اقتصادي پلوه هم دهغوی په ژوندانه کې د پام وړ بدلون راغلی دی.

د ملي پیوستون پروگرام دکارموندني، خاړني او ساتني دپروژې دتطبيق په لړ کې، دې پروژې د ننگرهار ښکلي ولایت ته هم لاره وموندله او دننگرهار ولایت شریفو خلکوهم وکولای شول چې ددغه وگړنیز او ارزښتناک پروگرام څخه برخمن شي.

دخاړني اوساتني دغه پروژه چې د سرک او کانال ترمیمول دي اوس د ننگرهار ولایت د سرخرو ولسوالی په جلوان کلي کې بشپړه شوې او نږدې (۴۴۸) کورنۍ دهغې د ښیگڼو څخه گټه اخلې.

باید زیاته کړو چې ددغې پروژې په ترسره کولو کې، څه ناڅه (۶۴۰۰۰۰) افغانۍ لگیدلي او (۶۵) تنه ماهر او (۱۳۴۰) تنه غیر ماهر کارگر چې مجموعاً (۱۴۰۵) ماهر او غیر ماهرکارگران دي په کاربوخت شوي دي.

دکلیو د بیا رغونې او پراختیا وزارت د ملي پیوستون پروگرام د کارموندني، خاړني اوساتني ددغې پروژې په ترڅ کې د کلیو خلکو ته ترانسپورتي سهولتونه رامنځته شوي څو کلیوال وکولای شي خپل زراعتي محصولات په چټکه او آسانه توگه بازار ته وړاندې کړي او بله دا چې د بیلابیلو کلیو او د ولسوالی د مرکز سره واټن کم شوی او همدا شان، خلک د ښاري سهولتونو څخه هم برخمن شوي دي.

محمد نسیم د دې کلي یوتن اوسېدونکی چې (۴۲) کاله عمر لري، داسې وایي:

« زموږ په کلي کې په سلو کې (۸۵) خلک وزگارو وو چې دهغو له جملې څخه یو، زه خپله یم. زه د (۱۲) کسانو درلودونکې کورنۍ، سرپرست او مسوول یم. زما اقتصادي وضعیت دومره په ټیټ حالت کې وو چې هیڅ ویلی نشم، ځکه بل دومره لوی څوک نلرم چې زما سره په کارکولو کې مرسته وکړي. د ورځې د یوځایست ډوډۍ په پیدا کولو قادر نه وم. د افغانستان څو ولایتونو ته مې د کار لپاره سفرونه کړي او ډېرې ستونزې اومشکلات مې گاللي دي، خو دومره ونه توانیدم چې خپلې کورني ته په آسانه یوه مړه ډوډۍ پیدا کړم.

خو الحمد لله اوس ددې پروژې په کارکې ما او د کلي نورو خلکو کاروکړ، د روژې مبارکې میاشتې او اخترخړچه راته پکې برابر شوه اوبل داچې زما میړمنه د زړه ناروغۍ لري، دهغې معاینات مې هم پدې پیسو باندې وکړل. نوپه لنډوالفاظو درته ویلی شم، زما د کورنۍ په صحې برخه، اقتصادي برخه، او د ټول کلي په بیارغونه یې مثبت اثرکړی دی. مثلاً په لومړي قدم کې زموږ دکلي هغه وران، ویجاړ او کندي کندي سرک دومره تخریب شوی و چې په هیڅ ډول سره د موټرو لپاره د تللو امکان نه وو. په ډیرو مشکلاتوسره به موږ او موټرچلونکو پکې تگ راتگ کاوه. داکتر، کلینک، مکتب، بازار اونورغم اوبنادۍ ته په وخت سره نه شو رسېدلی اوزموږ د کلي زراعتي محصولات به په معین وخت بازارته هم نه عرضه کیدل، خاواس د سرک په جوړیدو سره زموږ هغه ټولې ستونزې حل شوي دي.»

عبد الرازق ددې کلي یو سپین ږیری او قومي مشر چې (۵۰) کاله عمر لري داسې وایي:

« کله چې زموږ سرک ترمیم نه وو، نو موږ به له عمومي سرک نه تر کلي پورې موټر چلوونکوته په یوه نفر (۴۰) افغانۍ کرایه ورکوله، مگر اوس هر یو (۲۰) افغانۍ کرایه ورکوو. موږ ټول د کلي اوسېدونکي د ملي وحدت له حکومت اوبه خاصه توگه د کلیو د بیا رغونې او پراختیا وزارت څخه ډیره مننه کوو چې موږ ته د کار زمینه برابروي، زمونږه سرکونه، کانالونه او نور زیر بنایي پروژې جوړوي. له مربوطه ارگانونو څخه هیله کوو چې داسې پروگرامونو ته چې له یوې خوا دهیواد نه بهرته زموږ د اولادونو د سفرنه څه ناڅه مخنیوی کوي او له بلې خوا په افغانستان کې د سولې او آرامۍ یواځنی سبب هم دی، نورې هم ادامه ورکړي.»